

## ارگان کمیته کردستان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

پهمن ۲۲ بهمن ۱۳۴۲

شماره ۳۸

دوره جدید سال چهارم



### چهره عریان

### اپورتونیسیم!

شگفتی نیست که کاوشی به این نتیجه میرسد که: "تایید رویزیونسم کلیه کشورهای جهان با وجود تمام شکلهای گوناگون و اختلاف رنگ و لون خود در هیچ مسئلهای جز مسئله سازمانی تا این اندازه یک ریخت نیاشد." (لنین - یک گام به پیش - دو گام به پس)

رشد و تنقیق مبارزه طبقاتی در درون جامعه و تفکیک روزافزون طبقاتی، تاخیرات خود را بر سازمانهای سیاسی و مبارزه ایدئولوژیک حاد بر جای گذاشته

درفحه ۲

پیام کمیته مرکزی  
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
بمناسبت  
شانزدهمین سالروز  
بنیانگذاری سازمان  
وهشتمین سالروز  
قیام مسلحانه

۲۲ بهمن

درفحه ۳



### خلق قهرمان و رزمنده کرد!

همچنانکه در اعلامیه های کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران آمده و در اعلامیه های بخشهای دیگر سازمان نیز منعکس است، در تاریخ ۴ بهمن ماه مرکز فرستنده رادیویی صدای فدایی در معرض حمله گروهی مسلح تحت هدایت بانسند

درفحه ۴

### گزارشی از:

چگونگی تکوین و اجرای  
توطئه مسلحانه علیه  
مرکز فرستنده رادیویی

صدای فدائی

### در صفحات دیگر:



### اخبار جنبش نوده ای

درفحه ۱۵

اطلاعیه های مربوط به جنبه  
مسلحانه به مقدر  
رادیویی سازمان

گرامیداشت یاد شهدای  
بهمن ماه سازمان  
در کردستان  
درفحه ۲۹

## ۲۲ ریه فدایان

چهل و دومین سالروز تاسیس جمهوری خودمختار کردستان گرامی باد

چهل و دومین سال خود را پشت سر گذاشت،  
چهل سال پیش در بهمن ماه ۱۳۲۴  
درفحه ۹

اعمال بافرارسیدن ۲۲ ریه فدایان،  
سیروزی درختان و تاریخی خلق کرد یعنی  
تاسیس جمهوری خودمختار کردستان -

### اطلاعیه کمیته کردستان

بمناسبت شانزدهمین سالروز بنیانگذاری سازمان  
وهشتمین سالروز قیام مسلحانه ۲۲ بهمن

درفحه ۱۱

هه هوو میلله تیک مافی دیاری کردنی چاره نویسی خوی هه به

# چهره عریان

## اپورتونیسیم!

و در کشاکش این مبارزه بی امان است که برده از چهره کربه عوامل بورژوازی به کبار رفته و ماهیت دیدگاه اپورتونستی دشمنان طبقه کارگر آشکار میشود. آستان - یوان بورژوازی که همواره با صورتهای آراسته به تئوری و الفاظ وارد صحنه میشوند، این بار دست بجه شیره بی سابقه ای زدند، چاکران بورژوازی که عرصه مبارزه ایدئولوژیک را بر خود تنگ یافتند، با سازماندهی مخفیانه بخشی از پیشمرگان فریب خورده کمیته کردستان علیه مرکز رادیکالی صدای فدائی دست به توطئه مسلحانه زدند و از موضع متافسح بورژوازی این بانگ رسای کارگساران و زحمتکشان را موقتا به خاموشی گشادند و انحطاط بی ایمانی، باس و سرگردانی خود را به آشکارترین و ردیبلانه ترین شکلی به نمایش گذاشتند.

سران این توطئه جنایتکارانه از مدتها پیش با روخ دیدگاه اپورتونستی و لیبرالی خود در کمیته کردستان و بخصوص تشکیلات پیشمرگه که بعنوان یک تشکیلات دمکراتیک وابسته به این کمیته فعالیت مینمود، بی انضباطی، بی نظمی و نقض اصول و ضوابط تشکیلاتی را تا حد هرچ و مرج رسانده بودند.

این باند ارتجاعی با دفاع آشکار از نظریه مختاریت در برابر تمرکز سازمانی، تضعیف انضباط تشکیلاتی و به مفرماندن آن، در همه جا کار را به سازمان شکنی و تحریف "اصل دمکراتیک" و تبدیل آن به آنارشیسم گشاده بودند.

آنها بنا بر شیوه های ضد تشکیلاتی خود با سوء استفاده از مناسبات کمونیستی در سازمان و اصل اعتماد رفیقانه، با ارائه گزارشات غیر واقعی خود به کمیته مرکزی سازمان بروا قیعات جاری در کمیته کردستان پرده باثر می افکندند. از سویی دیگر آنها با کمک محافظان و باند خود به توطئه و دسیسه علیه نیروهای متعهد به سازمان که علیه اپورتونیسیم آنها بیامی خاستند، پرداخته و آنها را منزوی و منفرد مینمودند و با پیرونده سازی و اتهامات دروغین آنها را وادار به ترک تشکیلات میکردند.

این افراد ضد تشکیلاتی، با دفاع از اصل سازمانی اپورتونستی، مختاریت در مقابل مرکزیت، در برابر اصل سازمانی لنینی، مرکزیت در برابر مختاریت، که توسط رفقای سازمان تبلیغ و ترویج میشد سرخستی میکردند. طبق نظر آنها پایه ریزی ساختمان تشکیلات از پایین به بالا است و به این جهت در هر جا و به هر میزانی که ممکن بود از مختاریت یا دمکراتیک کاذبی که به آنارشیسم میرسد دفاع میکردند و ایده رفقای مدافع اصول لنینی سازماندهی را "بوروکراتیک" قلمداد می نمودند، چرا که ما طبق اساسنامه سازمان مبنای کار را از بالا میگرفتیم و معتقد بودیم که ساختمان تشکیلات از بالا تا پایین یعنی از کنگره سازمانی به ارگانهای تشکیلاتی مادون آن ساخته میشود. از نظر آنها هیچگونه سلسله مراتبی بین ارگانها و مسئولین تشکیلاتی مادون و مافوق لازم نبود، و نسبت جز از کسل و اقلیت اکثریت و تقسیم کار در زیر رهبری متمرکز به نظر آنها تبدیل اشخاص به بیج و مهره بود. انحلال طلبان در هراس مرگبار از انضباط و شکل، فریاد "واحدگرایی" سر میدادند و بر سر راه تحکیم اصول و ضوابط تشکیلاتی در کمیته کردستان سنگ اندازی میکردند، چرا که آنها از انضباط و سازمان پرولتاریائی گریزان بودند و بجای یک تشکیلات منسجم و منضبط از یک تجمع بی شکل و بی هویت دفاع مینمودند. اساسا بنظر افراد این باند جنایتکار کسه "به پوشیدن کفش راحتی و جامه گل و گشاد خانگی محفل بازی و خانوادگی عادت کرده بودند، اجرای اصول و ضوابط اساسنامه ای سازمان هم محدود می آمد و "هم سنگ، هم کمر شکن و هم بیست و بوروکراتیک، و هم بندگی آور و هم برای پرورش آزاد مبارزه مسلکی دست و پاگیر، در شرایطی که سازمان ما پس از دستیابی به یک برنامه پرولتاری و تاکتیکیهای منسجم گامهای بعدی را برای ایجاد و استحکام مناسبات حربی بر میداشت، خائنین در حالیکه ریاکارانه دیدگاه اپورتونستی خود را در عرصه برنامه و تاکتیکیها از نظر تشکیلات مخفی ساخته بودند، با ارائه نظر در زمینه مسائل تشکیلاتی منجلا و اپورتونیسیم حاکم بر بینش خود را نمایان ساختند که با انتقادات کوبنده رفقای سازمان

روبرو گشتند. اپورتونیسیم تشکیلاتی که این باند توطئه گر مدافع آن بود - مبنای تضعیف مرکزیت، به تمسخر گرفتن انضباط و نظم پرولتاری و دعوت به منجلا محفل بازی و آنارشیسم یا بدتریزی میشد. آنها میکوشیدند که دیدگاه اپورتونستی خود مبنی بر نقی و تضعیف مرکزیت را در پی دفاع از "پرسیهای دمکراتیک" مخفی سازند اما با اعتناع از جن دادن به رهبری مرکزیت سازمان در عمل نه تنها انحرافات ضد لنینی خود را به نمایش می گذاشتند بلکه خود مختاری نا استوارترین عناصر تشکیلاتی را شدت بخشیده و به قبول مناسبات تشکیلاتی در حرفا کتفا مینمودند.

طی چند ماه گذشته، کمیته کردستان شاهد تلاطمات بسیاری تحت تاثیر نفاد بین دیدگاه اپورتونستی و دیدگاه انقلابی بود. این تضاد در تمام مختاریت علیه مرکزیت، دمکراتیک کاذب علیه سانترالیزم دمکراتیک، تلاش برای تضعیف انضباط تشکیلاتی علیه تلاش به تشدید آن، و در یک کلام، "مسارزه روحیه روشنفکر ناپایدار علیه پرولتار بگیر و انفراد منشی روشنفکرانه علیه همبستگی پرولتاری" نمود مبنی میبافت انحلال طلبان بمناب اعمال نفوذی و خرابکار بورژوازی در سازمان، بنا مختل ساختن نظم سیستم تشکیلات، خراب کردن کارها و کوشش برای جلوگیری از پیشرفت هر سوع برنامه سازمانی حواستار انحلال و پراکندن ستاد رمنده طبقه کارگر ایران بودند، چرا که بورژوازی به انواع وسایل کلیه اندیشه های راکه متوجه انحلال، انهدام و موقوف ساختن سازمان ما است، رواج داده و از آنها پشتیبانی مینماید، این باند ضد تشکیلاتی نیز در قدمهای اولیه کوشید که این ایده های بورژوازی را از کانالهای غیر تشکیلاتی تبلیغ و ترویج نماید، اما نیروی بالنده و پیشتاز تشکیلات با پافتاری بر منافع طبقه کارگر بمناب سدی منسجم در برابر پیشبردها اهداف شوم و ارتجاعی آنها، مانع بزرگی بود. همچنین آنها که ضعف و بیونی خود را در مبارزه ایدئولوژیک درون سازمانی آشکار ساخته بودند، با دست نشین از مبارزه ایدئولوژیک به تشدید فعالیتهای ضد تشکیلاتی خود تا سرحد اقدام به توطئه مسلحانه پرداختند.

آنها که از مدتها پیش با روخ در صفحه ۱۰

پیام کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

بناسبت شانزدهمین سالروز بنیانگذاری سازمان و هشتمین سالروز قیام مسلحانه ۲۲ بهمن

دهد و گریبان خود را از بحران موجود نجات دهد. امپریالیستها در تلاشند تا بلکه بتوانند جناح مطلوب تری را از میان همین هیئت حاکمه انتخاب کنند. ارتش و دستگاه بوروکراتیک را تقویت نمایند. و از این طریق بر ادامه حکومت سنگینی جمهوری اسلامی بیافزایند. در این میان چنانچه تحول توده‌ای در ایران آوج بگیرد آنگاه امپریالیستها به نقطه اتکاء دیگری نیاز دارند. اگرچه تقویت ارتش و دستگاه بوروکراتیک بمثابه اهرمهای داخلی سلطنت طلبان، همواره از جانب امپریالیسم مورت گرفته است، اما از آنجا که در شرایط کنونی، امپریالیسم بنعلت حضور مردم در صحنه و بعلت تعدد مراکز سرکوب قادر نیست دست به ماجراجویی بزند و با استفاده از این دشمنان خلق قسدرت را قبضه کند، به تقویت دیگر نیروه‌های قابل اعتماد خود میافزاید. در چنین وضعیتی از لیبرالها نیز برای مهار کردن این بحران اقتصادی و سیاسی کاری ساخته نخواهد بود. رفرمیستهای اکثریتی - توده‌ای نیز بی اعتبارتر و مفتضحتر از آن هستند که اساساً بتوانند در این میان به توسعه بورژوازی نقشی ایفا نمایند. بعد از تلاشی "شورای ملی مقاومست" و بر ملا شدن ماهیت مقاصد بنی مدرن رجسری شورا و حزب دمکرات که میکوشیدند جمهوری اسلامی دیگری را بنام جمهوری دمکراتیک اسلامی به مردم تحمیل کنند، اکنون فقط آنگاه امپریالیسم در میان این تلیف بیشتر رهبری مجاهدین می باشد. سرمایه‌گذاری امپریالیستها بسر روی تا زمان مجاهدین تنها بخاطر چنین لحظاتی حساسی مورت میگردد، تا در صورت نیاز بتوانند جنبش انقلابی ایران را دوباره به انحراف بکشانند.

اوجگیری مجدد جنبش توده‌ای بر بستر تار فاشیستی عمومی کنونی قطعاً موجب دو صف بندی مشخص تر خواهد شد. در یکسو تحت رهبری رجوی و دیگران، رهبران مجاهدین بنام این سازمان، انبوع و ... اقامت دارو دسته‌های لیبرالی و رفرمیستی با حمایت و پشتیبانی بورژوازی ایران

و سایر فشارهای ناتی از جنگ، پیوسته بر دامنه بار فاشیستی مردم افزوده است. رژیم جمهوری اسلامی قادر نیست با بحران اقتصادی و سیاسی ژرفی که با آن روبروست مقابله کند. این بحران باعث اعتلای مداوم مبارزات توده‌های مردم گردیده است. هر چند این مبارزات در شکل تظاهرات عمومی توده‌ای و اعتصابات کاری با وقعه‌هایی نیز روبرو میگردد، اما جهت عمومی جنبش، اعتلای مداوم و رشد روز افزون مبارزات توده‌هاست. کلیه سیاستهای رژیم در مرحله‌های مختلف اعتمادی - اجتماعی و سیاسی بنا بر شکست روبرو شده است و سرنگونی آن قطعی است. در همین وضعیت وظیفه بسیار سنگینی بر دوش نیروهای انقلابی بویژه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران قرار گرفته است. گروه بندیهای سیاسی رفرمیستی و لیبرالی هیچک نمیتوانند مورد تایید توده‌های مردم باشند. از اینرو وضعیت کنونی، توده‌های مردم را بیشتر از پیش سوی مشی انقلابی و برنامه سه انقلابی سوق میدهد. بحران کنونی جامعه راه حل انقلابی را میطلبد و توده‌های مردم خواستار تحولی انقلابی در وضعیت موجود میباشند. ما میتوانیم ادعا کنیم که با افشای روز افزون گرایشات رظوظ لیبرالی و رفرمیستی طی سالهای گذشته، توده‌های مردم مداوماً به حقانیت گفتار و کردار ما بیشتر ایمان آورده‌اند، بسمت برنامه انقلابی سازمان کرایش می یابند. نقش فعال و پیگیرانه رفقای ما در تسهیل از حرکتیهای اعتراضی و مبارزات توده‌ای نظیر تظاهرات گوی ۱۳ آبان و با اعتنای برخی از کارحانات بیانگران و افعیت است که اگرچه ماضور نتوانسته‌ایم به نحوی مطلوب مدالانه در سازماندهی و رهبری مبارزات توده‌ها نقش خود را ایفا نمائیم اما تاثیر بسزائی در روند این تحولات گذارده‌ایم. در همین راستا در زمینه سازماندهی مستقل طبقاتی کارگران گامهای موفقیت آمیزی برداشته‌ایم.

کارگران و زحمتکشان سراسر ایران! رژیم فداخلتی جمهوری اسلامی در وضعیت فلاکت باری قرار دارد، این رژیم قادر نیست بوضعیت نابامان خود سرو سامان

کارگران و زحمتکشان سراسر ایران! یوزدهم بهمن ماه هر سال یادآور حماسه بنیانگذاری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران میباشد. روزیکه مفیر کتوله‌های فدائیان خلق در سیهکل سکوت آرامش رژیم دیکتاتوری شاه را درهم شکست و بعنوان روزی بزرگ و فراموش نماندنی در تاریخ مبارزات میهنمان جای ویژه‌ای بخود اختصاص داد.

ما سال در شرایطی ۲۲ بهمن سالروز قیام شکوهمند بهمن ماه ۵۷ که طسی آن رژیم سلطنتی در ایران بگور سپرده شد و با روز حماسه سیهکل و سر آغاز جنبش سرین کمونیستی ایران را گرامی میداریم. که رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی بنا بر حمایت امپریالیسم جهانی برای ادامه سلطه جارانه خود، و بهره‌کشی بینتزار کارگران و زحمتکشان میهنمان، به تریان ترین و وسیعانه ترین روشهای کشتار، شکنجه و ارباب متوسل شده است. رژیمی که تمامی دستاوردهای قیام مملحانه توده‌های مردم را با زین گرفت. همه جانفشانها و فداکاریهایی توده مردم را که برای براندازی ظلم و ستم و بیدادگری و برقراری حکومتی دمکراتیک و انقلابی بر ویرانه‌های کاخ ستمگران بود، نادیده گرفت. و خود به دشمن سوکند خسورده کارگران، زحمتکشان ایران بجای رژیم شاه و دفاع از سیادت سرمایه برخاست. این رژیم طی دوره حکومت ۷ ساله اش جز جنگ و خونریزی، شکنجه و تیرباران، افزایش فقر و فلاکت عمومی و دیگر مصاد اجتماعی چیزی بیار نیاورده است. هم اکنون در وضعیت رژیم بیش از پیش بحرانی است، ادامه جنگ بر دامنه بحران اقتصادی و سیاسی رژیم افزوده است. رژیم با یک بحران مالی روبروست، بخت عظیمی درآمدهای بودجه دولت را هزینه جنگی می بلند. آنگاه اصلی درآمدهای رژیم به منابع نفت و کاهش عایدات آن نیز تحت تاثیر وضعیت ناامن منطقه و نوسانات قیمت نفت در بازار جهانی رژیم را با وضعیت اقتصادی دشواری روبرو کرده است. جنگ قدرت در درون هیئت حاکمه، یعنی جناحهای مختلف آن دوباره شدت باخته است. فشارهای اقتصادی و سیاسی بر مردم

## گزارشی از :

### چگونگی تکوین و اجرای توطئه ...

به عدم آموزش و پرورش کادرها ، به روحیه و گرایشات محفلی فرید و دامن زدن محفلیسم در تشکیلات توسط او اعترافات شدیدی کرده بودند .

رفقای کمیته مرکزی با اقدام به بازرسی ، واقعیت های شرم آور کمیته را دریافتند و با گزارش نتایج بازرسی به تشکیلات و ارائه رهنمودهای انقلابی و ترمیم کمیته ، به مقابله با لیبرالیسم حاکم بر تشکیلات کمیته کردستان برآمده و به رفیقانه ترین شکلی خواستار تحکیم مناسبات انقلابی و فعال شدن سیستم تشکیلاتی سازمان در کمیته کردستان شدند که براساس آن مقرر شد مبارزه ای همه جانبه علیه دسته بندی و محفلیسم حاکم بر تشکیلات با سازماندهی دقیق پیش برده شود به مسائل و مشکلات بموقع و سریع رسیدگی شود ، اصل اشتقاق و انتقاد از خود در کلیه سطوح جاری باشد . . . . . متن گزارش نتایج بازرسی و رهنمودهای آن ضمیمه است .

اما ز همان روزهای اول ، تخلف شدیدی میان اعضا کمیته به علت تقابل دو بینش کاملا متضاد بروز کرد ، یک دیدگاه با دفاع از اصول و ضوابط تشکیلاتی خواستار اجرای رهنمودهای کمیته مرکزی مبنی بر ایجاد تشکیلاتی منسجم ، منضبط و ادامه کار و دگرگونی مناسبات حاکم بر تشکیلات کمیته کردستان ، با سازماندهی دقیق نیروها و با پیشبرد امر انتقاد و انتقاد از خود ، فعال کردن سیستم گزارشدهی ، اعمال کنترول و نظارت دقیق کمیته بر تشکیلات بود . دیدگاه مقابل که ایجاد هرگونه تحولی انقلابی در مناسبات حاکم بر تشکیلات را در تضاد با منافع باند خود میدید ، با دفاع آشکار از محفلیسم به سنگ اندازی در برابر دیدگاه اصولی و انقلابی می پرداخت . مدافعین این دیدگاه لیبرالی ، فرید و عباس با اشاعه دمکراتیسم کاذب و ایستاده اپورتونیستی ساختمان تشکیلات از پائین به بالا به کمک باند خود ، در تشکیلات پیشمرگه و موسسه عناصری در بخشهای دیگر این تشکیلات تا به تسمخ گرفتن انضباط تشکیلاتی و بیروی نمودن از ایده مختاریت گام به گام اهداف ضد تشکیلاتی خود را پیش میبردند ، اما رفقای متعهد

مطفی مدنی - حماد شبانی قرار گرفت که با دفاع قهرمانانه رفقای مدافع خط انقلابی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ، این توطئه خنثی شد .

ما بمنظور اینکه خلق دلاور کرد در جریان کامل این توطئه فرار کیسود گزارش مشروح توطئه را که در مقرر کمیته کردستان طراحی و در مقرر رادیو صدای فدایی با اجرا درآمد بطور کامل بیسان میکنیم :

کمیته کردستان بعنوان کانسون توطئه های مطفی مدنی و فرید ، در تخریب مواضع اصولی سازمان و پیش بردن مقاصد لیبرالی (توده ای - اکثریتی) - دجسار انحرافات بود که هر روز برا اعتبار و انوریته سازمان لطمه وارد آورده موجب انفعال و گسست نیروهای سازمان در منطقه بود ، گزارشات رفقای پیشمرگه مدافع خط انقلابی سازمان ، حکایت از وارونه جلوه دادن واقعیتها توسط عباس مشمول کمیته کردستان میکرد . گزارشات سزایا دروغ مشمول لایالی کمیته کردستان اشاره بر تشکیلاتی منضبط و فعال داشت که براساس سوء استفاده این فرد از اعتماد و نفیقاته حاکم بر سازمان تنظیم شده بود مسئول بی پرستی کمیته در عمل ، با اجرای مقاصد مدنی و فرید ، تشکیلات را عرصه شرکاتزینهای چند عنصر معلوم الحال قد سازمان و در راس همه فرید قرار داده بود که هر نیروی متعهد بند سازمان را یا زیر فشار سرکوب ناچار از انزوا نماید ، یا با پرونده سازی اخراج کند .

علیرغم دریافت چنین گزارشاتی و پس از خروج دهها تن از پیشمرگان در اعتراض به مناسبات حاکم بر تشکیلات کمیته ، از سوی عباس ، گزارش غیر واقعی از پیشبرد وظایف سازماندهی تبلیغ و ترویج مواضع سیاسی - ایدئولوژیک سازمان ، ارائه میشد . کمیته مرکزی سازمان علیرغم اعتقاد و تاکید بر اصل گزارش و گزارشدهی ، به دلیل غیرواقعی بودن گزارشات اقدام به بازرسی از تشکیلات کمیته کردستان کرد . طی بازرسی ، نیروهای تشکیلاتی و پیشمرگه کمیته کردستان به وجود مناسبات غیر تشکیلاتی و روابط مخفلیسی ، به لیبرالیسم حاکم بر تشکیلات و نبود نظم و انضباط پرولتری ، به برخورد های عمبی و غیر اصولی عباس ، به عدم رسیدگی و حل بموقع مسائل و مشکلات نیروهای تشکیلات

به خط و مشی انقلابی ، با حفظ کلیه پرسنیپها ، پدیدار در برابر این یا نسبه ضد تشکیلاتی مبارزه پرداختند . فرید عنصر جیون و لیبرالی که هر دو جزات ابراز مزیح و مشخص نظرانش را نداشت ، این بار نیز که با انتقادات کوبنده رفقای کمیته روبرو شده بود با حفظ روابط محفلی ، اما مخفیانه خود با عباس و چندتن از پیشمرگان معتزل سزل فرصت طلبانه و بظاهرا دفاع آشکار خود از محفلیسم دست برداشت .

عباس فردی که سابقا تحت تاثیر تفکر انقلابی رفقای متعهد به سازمان از آنچنان اعتبار و حیثیتی برخوردار بود که او را نامشول کمیته کردستان ارتقاء دهند ، اینک در نتیجه دنباله روی از تفکرات اپورتونیستی مطفی مدنی به چنان میزه بی اراده ای تبدیل شد که بلافاصله با دیدن بازرس تشکیلاتی ، آماده ترک تشکیلات "به معنی ترک مبارزه" شد که به علت جلوگیری فرید از این کار خود داری کرد . رفقای مرکزیت سازمان به این خائن قبل از خلغ مشولیت کمیته کردستان به دلیل انحرافاتش از مواضع انقلابی و فعالیت های ضد تشکیلاتی بارها اخطار شفاهی و کتبی داده بودند اما فردی که اساسا هیچگونه پرسنیسیب برای خود نداشت ، با شاراتا نیم هزتمی را زیر پا بگذارد اخطار و تنبیه هیچ منسی و مفهومی انقلابی نخواهد داشت . این فرد با سوء استفاده از مشولیتش در کمیته کردستان به مثابه چاق فرید و امین (مطفی مدنی) بمقابله با مدافعین خط و مشی سازمان پرداخت و بر فعالیت های ضد تشکیلاتی خود افزود . از آنجا که فرید تحت فشار رفقای کمیته کردستان دیگر نمیتوانست آشکارا باند خود را تسلط بگیرد ، عباس بعنوان سخنگوی فرید و امین در ایجاد روابط محفلی فعالتر از گذشته گشت . و در هر گوشه تشکیلات به تبلیغ سوء علیه سازمان و به دفاع از جریانبات بورژوا لیبرالی و فرمیستی پرداخته و از اجرای دستورات تشکیلاتی سرباز زد و خودسرانه ، اصول و مقررات تشکیلات را نقض نمود ، تا آنجا که علیرغم اعترافات نیروهای مدافع خط انقلابی در ارائه گزارش سه ماهه کمیته کردستان به کمیته مرکزی ، کمترین اشاره ای به اختلافات درون کمیته ننمود و گزارش را براساس نظرات شخصی خود و براساس منافع باند

## گزارشی از:

### چگونگی تکوین و اجرای توطئه...

است (" وعباس نیز در چهره تنفرانگیر  
یدی برای پیشبرد اهداف ضد تشکیلاتیش  
مشوق دیگری رامیدید. اضافه بر آن  
طبق گزارشی یکی از رفقای تشکیلات رادیو  
عباس در حضور چند تن از رفقا بسسه  
لجن یراکنی علیه تشکیلات دست زده و به  
دفاع علنی از جریانات رفرمیستی  
و بورژوا - لیبرالی پرداخته بسود .  
علیرغم تذکرات مکرر رفقای کمیته مرکزی  
مبنی بر حضور عباس در مقرر رادیو برای  
انجام تحقیقات حول این مسئله ، اوده روز  
تمام از اجرای این دستور سر باز زد .  
بالاخره رفقای کمیته مرکزی در نشست  
فوق العاده دوم بهمن ماه خود ، و بسا  
حضور عباس بدلیل نقض مکرر دیسیپلین  
تشکیلاتی او را از مسئولیت و عضویت  
در کمیته کردستان خلع نمودند ، و از او  
خواستند پس از تحویل مسئولیت خود بسد  
مسئول موقت کمیته ، به مقرر رادیو  
باز گشته و تا برگزاری کنگره درجهان  
مقرر اقامت کند ، "حکم سلب مسئولیت  
از عباس ضمیمه است ." عباس پس از  
مراجعت به مقرر کمیته کردستان ، از اجراء  
این تصمیم تشکیلاتی نیز سر باز زد و در  
حضور اعضاء کمیته کردستان اعلام نمود  
که تصمیم کمیته مرکزی را نمی پذیرد  
رفقای مدافع خط و منی سازمان در کمیته  
کردستان ، ضمن هشدار بهوی در خصوص  
تداوم اقدامات ضد تشکیلاتی اش با اسلام  
کردند که موکدا خواهان اجرای دستورات  
رفقای سازمان بوده وعباس را فاقسد  
هرگونه مسئولیتی در کمیته کردستان  
میدانسد و از او خواستند که کلیسسه  
امکانات تشکیلات را در اختیار کمیته قرار  
دهد ، که با هم با مخالفت ممراند عباس  
روبرو شدند. فرید خاشن که چند ساعت  
قبل از اعتراض عباس در جلسه کمیته  
حضور یافته و با انتخاب مسئول موقت ،  
علا خلع مسئولیت عباس را تایید کرده بود  
حتی در تقسیم وظایف کمیته ، خود مسئولیت  
تدارکات کمیته را که قبلا بعهده عباس بود ،  
پذیرفت و فرست طلبان را بعدم حضور عباس  
در جلسه ، به طرح اشتقاداتی از عباس در

خود تنظیم نمود. فرید وعباس که بعلت  
ریخت وپاشن امکانات تشکیلات قبلا در معرض  
انتقاد شدید رفقای مرکزیت قرار گرفته  
بودند (در این مورد اشارات صریحی نیز  
از جانب نیروهای تشکیلات و افراد تیم  
وجود دارد) با تنظیم مخفیانه یک گزارش  
مالی غیر واقعی وارسال آن به کمیته -  
مرکزی ، علیرغم اصرار شدید رفقای  
کمیته کردستان از ارائه آن به کمیته  
خودداری کردند. موارد بسیاری از حرکات  
ضد تشکیلاتی آنها به دلایل امنیتی ، امکان  
افتاء علنی ندارد ، اما به دو مورد از  
فعالیت های ضد تشکیلاتی عباس اشاره  
میشود ؛ یدی عضو اخراجی سازمان که از سال  
۶۲ تشکیلات خود را ترک کرده و با گرفتار  
باسبورت پناهندگی در سوئد زندگی میکرد  
و از اردیبهشت ۶۴ که از سوئد به کردستان  
آمده بود از بازگشت به محل فعالیت  
تشکیلاتیش وحشت داشت و بدلیل نقض  
اصول و برتسیبهای تشکیلاتی و نداشتن  
روحیه مبارزاتی از صفوف سازمان در  
شهریور ماه ۶۴ اخراج شده بود ، اوایل  
آذرماه با توجیه اقامت در مقرر کمیته  
کردستان از مقرر رادیو خارج شده و به  
کمک گروه اشرف دهقانی ، در نقطه سهای ،  
اقدام به ملاقات با مهدی سامع نمود . و  
بعد از این ملاقات بعنوان مهمان ۴ روزه  
به مقرر کمیته کردستان آمد. عباس که  
از جانب رفیق رابط کمیته مرکزی  
و کمیته کردستان موظف شده بود ، یدی را  
بعد از ۴ روز به مقرر رادیو برگرداند ،  
پس از گذشت دو ماه از اجرای این وظیفه  
سرباز زد و تا روز وقوع توطئه همچنان  
به بهانه های مختلف از اعزام یدی خاشن  
به مقرر رادیو خودداری نمود ، چرا که  
طی مدت اقامت این عنصر اخراجی در مقرر  
کمیته کردستان ، یک نفر دیگر به باند  
ضد فدایی آنها در این مقرر اضافه گشته  
و تبلیغات سوء علیه سازمان شسست  
بیشتری یافته بود ، (یدی مزدور که در  
مقطع انشعاب اکثریت از سازمان کمترین  
اطفائی از مسائل تشکیلاتی نداشت و به  
هیچوجه نیز از اتفاقاتی که در این مقطع  
واقع شد باخبر نبود بمنظور تحریک  
عباس و پیشمرگان نا آگاه و فریب خورده  
و کسب آتوریت کاذب در شب توطئه به  
دروغ به آنها گفته بود " اقلیت هم به  
زور اسلحه از اکثریت امکانات گرفته

زمینه برخورد های ضد تشکیلاتی او پرداخت  
(فرید هنوز از نتیجه مذاکرات عباس  
ویدی که بیشتر از ۲ ساعت بطول انجامید  
خبر نداشت چون رفقای کمیته به او محال  
ندادند تا با عباس ویدی صحبت کند و بعد  
تصمیم بگیرد ، بلا درنگ او را به شرکت در  
جلسه بمنظور اجرای مفاد حکم کمیته -  
مرکزی دعوت کردند) . فرید در همان جلسه  
شیر متعهد شد که تا فردا عباس ویدی  
را متقاعد کند که به مقرر رادیو بروند .  
اما چند ساعت بعد کد با عباس ویدی  
شماس گرفت و از نتیجه تصمیمات آنها  
باخبر شد به تبعیت از نتیجه ایمن  
تصمیمات هنگامی که عباس حکم کمیته -  
مرکزی را بی اعتبار اعلام نمود ، فرید نیز  
جرات پیدا کرده و به خلع مسئولیت عباس  
اعتراض کرد و در جلسه صبح روز چهارم  
بهمن ماه از عضویت خود در کمیته  
کردستان استعفا نمود .

از عصر همان روز دو پیشمرگه بنا مهای  
مهدی و مصطفی ، بعنوان رابط ، فرید  
عباس ویدی با باندشان در تیم پیشمرگه  
داشم در ارتباط بودند . ( مصطفی مزدور  
کسی است که از طرف سران توطئه به او  
وعده داده شده در صورت موفقیت در  
اجرای توطئه به او مسئولیت روابط  
خارج را خواهند داد ) رهبران توطئه  
توسط این دو مزدور به دیگران اطلاع  
میدهند که فردا به مقرر رادیو رفتن  
و کمیته مرکزی سازمان را برکنار  
و شورای عالی را جانشین آن خواهند کرد ،  
مهدی با حمید پیشمرگه ای که در جریان  
درگیری زخمی شده است نیز این مسئله  
را در میان میگدارد ، و از او و محمود  
پیشمرگه دیگر میخواهد که به آنها  
بپیوندند ؛ ولی حمید با نظرا و مخالفت  
کرده و از طرف محمود نیز ابراز مخالفت  
میکند. همان شب توطئه ، قادر - مزدوری  
که در روز توطئه با استفاده از اعتماد  
رفیق کاوه به او نزدیک شده و او را  
غافلگیر میکنند در بحثی که با رفیق  
مسئول کمیته نظامی داشته از او درخواست  
برگزاری کنگره می نماید و با اعتراض  
رفیق که امر برگزاری کنگره به او کند  
یک پیشمرگه ایت مربوط نمیباند مواجه  
شده بود به رفیق می گوید : " ما ایمن  
سازمان را داغان میکنیم و به جای آن

یک سازمان خوب درست میکنیم! در همان شب مصطفی با استفاده از سلاح رادیویی، مکالمه سی بی ام رفقای کمیته کردستان بارفقای نخر رادیو را شنیده و در اختیار سران توطئه قرار میدهد، پیشمرگان فریب خورده، کلیه رفقای پیشمرگ مدافع مواضع سازمان را به بهانه های مختلف از محل اقامت پیشمرگان به محل دیگری میفرستند تا بدون در دسترس اهداف ضد-تشیکیلاتی خود را به پیش ببرند.

صبح روز چهارم بهمن ماه عباس به همراه یدی از مقر خارج میشوند و در مسله راه مقر کمیته کردستان و مقر رادیو در قهوه خانه معروف به قامیش منتظر مصطفی میمانند، مصطفی به بهانه دیدن برادرش که اگر امروز قبل از اینکه او را به بیمارستان ببرند، نبیند دیگر ممکن است موفق به دیدار برادرش نشود، نیر با عجله از مقر خارج شده و به نزد یدی و عباس رفته و حدود ساعت ۱۲ و پانزده دقیقه با اتفاق مادر سلاخی ها که تاکنون در مقر گروه اشرف دهقانی نگهداشته میشد و فرزندان خردسال بابک خائن و مزدور دیگری بنام آذر که دو روز قبل به جرم شرکت در توطئه مسلحانه ای که با اتفاق سعید (حادث شیانی جنایتکار) در آن شرکت داشت (این توطئه توسط رفقا کشف و خنثی شده بود) اخراج شده بود، به مقر کمیته بازگشتند، او همان ساعتی که عباس و یدی از مقر خارج گشتند، قادر از انبار اسلحه کمیته یک صندوق فشنگ به چادر پیشمرگان آورده و مزدوران خنثی خالی خود را بر کردند و به برداشتن خشابهای اضافی نیز اکتفا نکرده حتی گلوله های اضافی، داخل جیبهای خود ریختند، لازم به یادآوری است، هرچه خشاب چهل تیری کلاشینکف در داخل انبار سلاح کمیته بود، برداشته بودند ارساعات اول صبح، فرزند، انور و قادر تفنگهای تمیز کرده خود را با طاقه هایی که خشاب اضافی به آن افزوده بودند بسته و داخل محوطه مقر مشغول رفت و آمد تهدید آمیز بودند. انور فرد منفعل است و فد تشکیلات که به دلیل اختلافات شخصی هیچ وقت داخل مقر پیشمرگه نمیشد، مابین مزدور در بخش انتشارات کار میکرد - صبح آنروز به چادر پیشمرگان رفتند و بعد از پاک کردن تفنگش گفته است: "چهار ساله که با این تفنگ تقه (تلیسک) نکرده ام، میخواهم امروز آزمایشش

### گزارشی از:

## چگونگی تکوین و اجرای توطئه...

کنم ببینم خوب تقه میکنه یا نه". قادر نیز با یک قنداق تاشوی کلاشینکف وارد چادر شده بعد از کمی ور رفتن بمنظور تشریح قنداق، از این کنار منصرف شده قنداق تاشو را به کناری انداخته میگوید "حالا که نمیشه" این مزدور بعلت عجله از این کار منصرف میشود، یکی از رفقای پیشمرگه که روز قبل برای کار واجبی از مقر خارج شده بود در بازگشت می بیند تمام گلوله های خشابهای را خالی کرده و خشاب جهل - تیری را بر برداشته و تفنگش را نیز از کنار انداخته اند. سلاح های دیگری را نیز از کار انداخته بودند عباس از روز قبل در روستاهای مجاور بدنحال این رفیق و رفیق پیشمرگه دیگری که در مقر نبودند با اصرار جستجو میکرده تا ماسل مهمی را با آنها در میان بگذارد، در روز اول بهمن رفیق پیشمرگه دیگری عازم رفتن به مرخمی بوده است، عباس که او را عازم رفتن می بیند به او میگوید، "انتظار نداشتم در این شرایط بروی!"

از مدتها قبل سران این باند برای طرحریزی مقاصد فد تشکیلاتی خود بمنظور مشاوره با هم محفلی های خود به مقر کمیته مراجعه میکردند، امین چند هفته قبل از توطئه بمنظور سازماندهی توطئه شومش به مقر کمیته آمده و در گفتگوهای متعددی با عناصر سفح باز فد تشکیلات در درون پیشمرگان، مقاصد سوئی را علیه سازمان برنامهریزی کرده بود، مدتی بعد، مهدی که در مقر رادیو کار میکرد برای معلوم کردن نتایج توطئه امین به مقر کمیته آمد و پس از صحبت با یدی با عجله به مقر رادیو و مهدی در مقر رادیو با سرعت به مقر کمیته آمد و ضمن شناس با حزب - دمکرات و مذاکرات مجدد با یدی و فریید و عباس طی اقامت ۳ روزه؛ در مقر کمیته کردستان آنها را در جریان توطئه ای که بعدا توسط رفقای مقر رادیو کشف و خنثی شد و منجر به اخراج سعید گشت فرار داده حتی با دادن نامه ای تحریک آمیز به رفقای پیشمرگه ضمن لجن پراکنی علیه سازمان تلاش کرده بود برخی عناصر را به

باند جنایتکار خود جذب نماید، در نتیجه این تحریکات یدی "گرد" مسئول تدارکات داخلی مقر کمیته کردستان به یکی از رفقای پیشمرگ چند روز قبل از توطئه گفته بوده است: "اسلحه را خوب مواظبت کن ممکن است پیش آمدی بشود که اسلحه لازم باشد". همین یدی "گرد" در روز توطئه بجای اسلحه خود که ۳ است کلاشینکف برداشته بود، در روز قبل از توطئه پیشمرگه دیگری بدنام فواد به یکی از رفقا گفته است: "در روزهای نزدیک اشعاب صورت میگیرد، و تا کنگره بدتر هم میشود". همین مزدور روز ۴ بهمن ماه قبل از حرکت در حضور یکی از رفقای تشکیلاتی کمیته کردستان به آذر میگوید: "میرویم حالی شان میکنیم". مسعود طی یکی از روزهایی که سعید در آنجا بود گفته است: "اگرچه در جوله نتوانستم کاری انجام دهم - منظورم خرابکاری است - و تبدیل بودم ولی در این جوله مسال خواهم بود و رنگ میخورم". هادی، مسئول مقر فرد فریب خورده ای که در حین درگیری کشته شده است سلاح سازمانی خود را که ۳ بود با مسلسل آرمی، کسا تسویف کرده و وقتی از او سؤال میشود با ژانسی به کجا میروی میگوید: "میخواهم بیجنگ!" فرید نیز که صبح همانروز

از عضویت در کمیته استعفا داده بودید سلاح کلت مسلح شده و در محوطه مقر مطرب و پریشان قدم میزد، با برگشتن عباس به مقر، با خوشحالی به رفقای کمیته خبر داد که: "عباس هم آمد". عباس به همراه مادر سلاخی و فرزندان بابک و مصطفی و آذر به مقر مراجعه کردند، یکی از رفقای کمیته کردستان از او پرسید، کاک عباس چرا برگشتید؟ او در جواب گفت: "آمده ام همه را با خودم ببرم!" به محض ورود عباس به مقر کلیه افراد تریب خورده مسلح شده و در محوطه مقر جمع شدند.

فریید و فرید سه پاک سنگین محتوی اسناد و مدارک و پول تشکیلات کمیته کردستان را که از قبل آماده کرده بودند، بسرقت میبردند، ساکها به علت سنگینی سختی حمل می شده اند. مادر سلاخی و آذر حاشن برای تحریک توطئه گران و جلب عناصر متزلزل وارد محوطه مقر کمیته گشتند و حدود یک ساعت بصورت تهبیجی دعوت به پیوستن افراد مقر به جمع اوباشان توطئه گر مینمایند. توطئه گران تا وقت

## گزارشی از:

### چگونگی تکوین و اجرای توطئه...

گزارش بازرسی از تشکیلات کمیته کردستان

رفقا!

همانگونه که در آخرین گزارش کمیته مرکزی سازمان به تشکیلات در اواسط مهرماه ذکر شده بود، کمیته سرکشی سازمان بمنظور اطلاع دقیقتر و همهجانبه‌تر از مسائل و مشکلات تشکیلات کمیته کردستان سازمان، تصمیم گرفت که یک بازرسی دقیق از تمامی بخشهای تشکیلات کمیته کردستان بعمل آید. رفقای کمیته رهبری کننده کردستان، این درک نادرست و انحرافی را ارائه میدادند که بازرسی، منجر به شکستن اتوریته مسئولین میگردد. اما کمیته مرکزی سازمان ضمن رد چنین درکی، بر اصولی بودن بازرسی از تمام بخشهای تشکیلات کردستان از جمله تشکیلات پیشمرگه تاکید نمود.

طی این بازرسی که از تاریخ ۳۱/۶/۶۴ تا تاریخ ۲۴/۷/۶۴ انجام گرفت عملکرد این بخش تشکیلات مورد بررسی قرار گرفت و نتایج زیر بدست آمد:

کمیته کردستان، اساساً فاقد یک تشکیلات منسجم و منضبط براساس موازین و معیارهای پرولتریست، بی برنامه‌گی در زمینه‌های مختلف فعالیت آن بچشم میخورد و بی نظمی همه صورت امری متداول در آمده است.

سازماندهی نیروهای تشکیلاتی این بخش، براساس معیارها و موازین دقیق صورت نگرفته، در انتخاب و گزین کردن نیروهای هسته‌های سرخ، دقت لازم انجام نگرفته و رفقای که در بخشها و حوزه‌های مختلف سازماندهی شده‌اند، از حیث ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی در سطح نازلینی قرار دارند. علاوه بر این، آموزش مداوم و پیوسته‌ای که برای ارتقاء ایدئولوژیک سیاسی و تشکیلاتی هسته‌های سرخ لازم است، صورت نگرفته است. انضباط تشکیلاتی به نحویکه شایسته یک سازمان پرولتریست وجود نداشته و بی نظمی بر فعالیتها و مختلف این بخش سایه افکنده است. این بی نظمی بویژه در زمینه فعالیت نظامی و تدارکات خرده اختلاقات و جنبه‌گیریها نمود باری داشته‌است. در زمینه تدارکات همینقدر کافی است که اشاره شود همه نیروهای تشکیلات از ناسامانی، فقدان

تهدید میخواد کاوه از سرراهن کنار برود عباس با تمسخر و تحریک به کاوه گفته است: تسلیم شود و بیخودی خودش راه کشتن ندهد" و باز هم در جواب کاوه که موکداً می‌گفته "سلاح راه دستبوری تشکیلات به زمین بگذار تا بگذارم بروی داخل مقر"، عباس با لحن تحقیر آمیز گفته است، "الان معلوم میشه که تشکیلات کیه؟ کاوه دوباره در حالی که عصبانیت عقب می‌آمده اظهار می‌کند قبل از تحویل سلاح بر طبق دستور تشکیلات نمیتوانید وارد مقر شوید و چون آنها نزدیکتر میشوند تیر هوایی شلیک میکند، مسعود بدون اینکه گلنگدن خود را بکشد - قبلاً ننگ خود را مسلح کرده و برگه ضامن سلاحش را به روی رگبار گذاشته بود - بیکر رشید بر شور سازمان، فدایی خلق کاوه را از فاصله بسیار نزدیکی به زکبیسار می‌بندد، و بدینال او عباس تیر خورده و به زمین می‌افتد. روشن نیست که گلوله مسعود هنگام شلیک به رفیق کاوه به او خورده یا رفیق اسکندر او را زده‌است. بر طبق اظهار پیشمرگان اتحادیه میهنی کردستان و رفیق یزشک سازمان جند عباس روی بیکر غرقه به خون رفیق کاوه افتاده بود. رفیق اسکندر رانیز در همان لحظات اول از چند طرف آتشنشان به رگبار می‌بندند که خراب‌دور کمر رفیق در اثر این رگبار داغان شده و میمات داخل آن منفجر و بیکر بر ملایت رفیق دلاور ملاتی میشود، چند دقیقه بعد از قطع درگیری بد علت دخالت پیشمرگان اتحادیه میهنی کردستان، رفیق حسن سه برای کمک به رفقای مجروح از جای خود حرکت میکند بر اثر شلیک مزدوران بشاه میرسد. توطئه بر اثر مقاومت قهرمانانه رفقای مقر کمیته رادیو با شکست مفتضحانه باند مافیایی مصطفی مدنی - خنتی میشود و "بهار ماه در روز چهارم خود، این بار در سرزمین کردستان خونین به معابد رساخیز سیاهکسل می‌شتابند."

\* \* \*

تصاف بی سیم، دوماشین استیشن را بمدت ۲۰ دقیقه معطل نگه‌داشته بودند، چند لحظه به ساعت مقرر تصاف بی سیم مانده قادر و مصطفی که در کنار فریدباستاده بودند با حله از او جدا شده و آنتن بی سیم را قطع کرده و در آتش سوزاندند. بعد از قطع بی سیم در حالیکه سلاحهای بدنی رفقای مقر را از کار انداخته بودند، سوار ماشین شدند، قبل از حرکت عملی در حالیکه تهدید میکرد گفت: "میرسیم بالایی‌ها را می‌بینیم و بعداً اینها را نیز از اینجا بیرون میکنیم".

لازم بتذکر است، رفقای کمیته کردستان صرفاً بخاطر پرهیز از بروز تشنج و درگیری مسلحانه بمقابله جدی با آنها برخاستند.

گمی قبل از رسیدن توطئه‌گران به مقر رادیو دونفر از پیشمرگان سازمان که از روستای نزدیک مقر رادیو عبور میکردند توسط ناصر (فردی که از ظهر همان روز با سلاح از مقر رادیو فرار کرده و در روستای مجاور منتظر ورود دیگر توطئه‌گرا بود) به خانه جلال (دکاندار) هدایت میشوند، سعید در آن خانه بوده و همه ایشان می‌گویند: "من از طرف شورای عالی اعلام میکنم که... و... (دو تن از رفقای مرکزیت سازمان) را باید رنده دستگیر کنید." یکی از پیشمرگان در جواب می‌گوید: "کاک سعید ما با شما همراه نیستیم" مزدوران بر خلاف همیشه که تا مقابل مقر با ماشین میرفتند این بار در حد فاصل مقر رادیو و روستای گابیلون از ماشین پیاده میشوند و با آگاهی از ساعات نگهبانی وساعتی که بیشتر رفقای مقر در یک جا جمع میشوند با آرایش نظامی کامل به سوی مقر رادیو حرکت میکنند، آنها قصد داشتند با آتشکده بد نردی که در روابط عمومی مقر رادیو کار میکرد و از قبل در جریان توطئه قرار داشت وارد مقر شده و رفقا را غافلگیر کنند. (قبلاً با قطع آنتن بی سیم مقر کمیته کردستان ارتباط بین دو مقر را قطع کرده بودند، رگمان میکردند رفقای مقر رادیو از مقاصد نوم آنها بی‌اطلاعند) در محوطه روابط عمومی مقر رادیو رفیق کاوه از آنها میخواد سلاحهای خودشان را تحویل داده و بعد داخل مقر روند، مسعود، مصطفی، عباس، فواد و با در بدون توجه به این اخطار و تاکیده‌های کاوه جلو می‌آیند کاوه با اصرار از مسعود میخواد که سلاحش را گذاشته و بدون سلاح به اردمقر شود و در جواب، مسعود که بنا

### گزارشی از:

## چگونگی تکوین و اجرای توطئه...

نظم و کنترل که منجر به از بین رفتن امکانات در این زمینه شده است از جمله بوسیدن فستقها ، فاسد شدن مواد غذایی ریخت و پاش و... شدیداً انتقاد داشتند. در تشکیلات پیشمرکه ، این ضعفها بارزتر از هر جای دیگر بچشم میخورد. تشکیلات پیشمرکه نه تنها فاقد دیسیپلین برولتریست بلکه بی نظمی در منتههای خود وجود دارد. از آنجائیکه کنترل و آموزش دقیقی وجود ندارد ، گرایشهای مخفی ، جبهه گیری و دسته بندی در برابر یکدیگر بروز نموده است. کمیته کردستان ضوابط و معیارهای راکه بر طبق اساسنامه پیشمرکه می بایستی در عضوگیری رعایت کند ، در برخی موارد نقض نموده است. از جمله افرادی که عضویت تشکیلات پیشمرکه درآمده اند که فاقد صلاحیت سیاسی و اخلاقی لازم بوده اند. در انتخاب فرماندهان نظامی ، دقت و کنترل جدی صورت نگرفته است. حدود وظایف و اختیارات مسئولین سیاسی و تشکیلاتی و فرماندهان نظامی تفکیک نشده است و با اختلافات پیش آمده ، برخوردی فوری و جدی صورت نگرفته و این امر گرایشهای مخفی و بی نظمی را در تشکیلات پیشمرکه دامن زده است. مسئولین کمیته در برخورد به انتقادات و نقاط ضعف موجود ، برخوردی جسیدی نکرده اند و پاسخ قانع کننده ای بجهت نیروهای تشکیلات نداده اند. این وضعیت نابسامان ، تابانجا پیش رفته است که طی یکسال نیروی در حد نیروهای موجود تشکیلات را ترک کرده اند.

نشریه ریگای گول نیز علیرغم اینکه منطماً انتشار یافته است ، اما نقشش خود را بعنوان یک نشریه محلی ، در خدمت تبلیغ و ترویج مواضع سازمان دزدک نکرده است. مقالات آن فاقد عمق بوده ای بوده و نقش تبلیغی آن بسیار محدود بوده است.

در مجموع فقدان یک تشکیلات مستحکم و منضبط ، بی سرنامگی و بی نظمی و در واقع لیبرالیسم تشکیلاتی در زمینه های مختلف فنانیبت تشکیلات کمیته کردستان ریشه در تفکر غیرپوزولتری ارگنان رهبری کننده این بخش دارد .

برخورد جدی به انحرافات و نابسامانیهای موجود ، مستلزم یک برخورد جدی و انتقادی از سوی رفقای کمیته است. رفقای کمیته کردستان موظفند با انتقاد جدی به سبک کار و شیوه برخورد

خودبا مسائل تشکیلاتی، نقاط ضعف و انحرافات موجود، بعنوان نخستین گام در جهت برطرف کردن نابسامانیهای موجود ، با کمک و همکاری رفقای که اخیراً بمنظور تقویت این بخش به کمیته کردستان افزوده شده است ، رهنمودهای زیر را بمرحله اجرا درآورند و طی سه ماه آینده عملی شدن این رهنمودها را بکمیته مرکزی سازمان گزارش کنند :

- ۱- تشکیلات کمیته کردستان ، باید بر مبنای ایجاد تشکیلاتی مستحکم، منضبط و ادامه کار که نیروهای آن بدقت گزین شده و تحت آموزش سیستماتیک قرار گرفته سازماندهی گردد.
- ۲- تشکیلات کمیته کردستان ، اساساً باید متکی به نیروهای بومی باشد که بتوانند وظیفه خود را در امر تبلیغ و ترویج سازماندهی پیش برد. لذا کمیته کردستان باید در نظر گرفتن این مسئله ، باید بایک برنامه ریزی فشرده در زمینه آموزش ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی و وظیفه خود را در این زمینه انجام دهد.
- ۳- بمنظور جلوگیری از رشد گرایشهای غیر تشکیلاتی، بامسئله انتقاد و انتقاد از خود برخوردی همه جانبه صورت گیرد بحث و انتقاد بعنوان مکانیسم سازماندهی در تمام سطوح تشکیلات بمرحله اجرا درآید و با خطاها و انحرافات برخوردی قاطع و جدی صورت گیرد .
- ۴- کنترل و نظارت همه جانبه ای از سوی کمیته کردستان بر تمام بخشها و حوزه ها اعمال گردد.
- ۵- تدارکات تشکیلات تحت هدایت یک ارگان درآید و کمیته کردستان ، نظارت و کنترل جدی بر آن اعمال نماید.
- ۶- نشریه ریگای گول با مقالاتی عامه فهم و نیز مقالات ساده شده ارگنان سراسری سازمان منتشر گردد و تلاش جدی بعمل آید که در آینده بتواند به زبان محلی منتشر شود.
- ۷- کمیته کردستان موظف است ، سازماندهی نیروهای معتقد به خط مشی سازمان را در شهرهای مختلف کردستان هرچه سریعتر آغاز نماید.
- ۸- تشکیلات پیشمرکه تحت کنترل

و نظارت جدی و اکید قرار گیرد. پذیرش به عضویت تشکیلات پیشمرکه ، مطلقاً بر اساس ضوابط و معیارهای تعیین شده در اساسنامه صورت پذیرد . دوره های آموزشی که مدتی است متوقف مانده است ، مجدداً احیاء گردد و تنها پس از گذراندن این دوره ، پذیرش به عضویت تیم پیشمرکه انجام پذیرد .

- ۹- از طریق سازماندهی ارگنان رهبری کننده تیم پیشمرکه و هسته های سرخ برخوردی جدی و اقناعی با مسائل و انتقادات رفقای تیم پیشمرکه صورت گیرد و دیسیپلین برولتری بر تشکیلات پیشمرکه حاکم گردد .
- ۱۰- برای پیشبرد وظایف مختلف تشکیلاتی ، سیاسی و نظامی ، یک برنامه کوتاه مدت و بلند مدت تدوین گردد و بجهت مرحله اجرا درآید .

کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائوسی خلق ایران  
بیستم مهرماه ۱۳۶۴

ضمیمه ۲  
رفیق عباس :

علیرغم آنکه پس از بهارسی مهرماه از کمیته کردستان ، وجود مناسبات فراتشکیلاتی در این بخش از تشکیلات کاملاً روشن گردید و شما بعنوان عضو کمیته و مسئول آن موظف گشتید با این مناسبات برخوردی جدی شما کنید ، اما گزارشات بعدی اکثریت اعضاء کمیته طی چهارماه اخیر حاکی است که شما نه تنها با این مناسبات برخوردی جدی نکرده اید ، بلکه با این مناسبات فراتشکیلاتی و نیز ضد مرکزیت دامن زدید. این اقدامات تشکیلات شکنانه بر طبق گزارش بخش خبر ، بهنگام اقامت چندروزه شما در بخش رادیو صورت گرفته است . شما علیرغم تذکرات مداوم ، یک عضو اخراجی سازمان بنام یدی رادر آن بخش نگاه داشته و از او حمایت نموده اید. کمیته مرکزی سازمان باید در نظر گرفتن مجموعه اعمال و رفتار ضد تشکیلاتی و نقض مداوم دیسیپلین سازمانی از سوی شما تصمیم انضباطی زیر را درمورد شما بجهت اجرا درمیاورد.

- ۱- سلب مسئولیت از کمیته کردستان
- ۲- سلب عضویت از کمیته کردستان
- ۳- اقامت در مقر بخش رادیو تحت مسئولیت کمیته رادیو تابریگسزاری کنگره سازمانی .
- کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائوسی خلق ایران



چهلمین سالروز تأسیس  
جمهوری خودمختار کردستان گرامی باد

یکسال بعد از حیات جمهوری خودمختار در آذرماه ۱۳۲۵ دولت مرکزی به بهانه تأمین امنیت انتظامات، قوای نظامی رادشهرهای کردستان بحرکت در آورد و وارد مهاباد مرکز جمهوری خودمختار نمود. شوههائی مردم کردستان که برای یک مقاومت طولانی مدت و همه جانبه علیه ارتش سرتاها مسلح رژیم شاه سازماندهی نشده بودند و آمادگی لازم را نداشتند، نتوانستند تمرش ارتش به کردستان را درهم شکنند.

یورش نظامی قوای سرکوبگر، تمامیت جمهوری خودمختار و همچنین موجودیست و حیات انقلابی خلق کرد را که بداعتبار خون صدها تن بدست آمده بود، درمعرض تجاوز و نابودی قرار داد. قاضی محمد رهبر انقلابی شوههها تصمیم به ماندن و مقاومت انقلابی درمقابل مرتجعین و عشار بر مسلح گرفت. جمهوری خودمختار کردستان با یورش سیمانه ارتش مزدور شاه از پای درآمد اما ایستادگویی قاضی محمد، پینوای خلق کرد و ایجاد روحیه تسلیم ناپذیری در بین شوهههای انقلابی بیگسنت بایدار در جنبش انقلابی خلق کرد مددل گشت. ستمت الهام بخشی که طی چهل سال رهروان راه رهاشی خلق کرد رایبه آرمان قاضی محمد و نادار نگه داشته است. روز ۱۵ فروردین سال ۱۳۲۶ قاضی محمد و چندتن از یاران نزدیکش با پافشاری بر آرمانشهرهای جمهوری خودمختار به دار آویخته شدند. از آن پس تا کنون، جنبش انقلابی خلق کرد علیرغم سرکوبگریهای ارتش شاه و نیروهای ضد خلقی جمهوری اسلامی سنا پشت سرگذاشتن افت و خیزهای متسدد در راستای تکامل آشی خود به بیسی تاخته است.

جمهوری خودمختار کردستان، پس از گذشت یکسال از حیات انقلابیش اگرچه با شکست مواجه گشت، اما زمینههای اقتصادی و اجتماعی برآمد جنبش خلق کرد در سالهای ۲۵-۲۴ بر جای مانده. و از همین رو نیز در سالهای بعد و بیویزه در اواسط دهه چهل نعلههای جنبش مسلحانه کردستان

شوهههای ستمدیده کردستان که سالها در ستم و فشار و ستم ملی قرار داشتند، برای برانداختن یوغ ستمگران به قیامی قهرمانانه دست زدند و حکومت خودمختار کردستان را تشکیل دادند. رهبری قاضی محمدی از رهبران مبارز خلق کرد تشکیل دادند و بدین ترتیب حاکمیت انقلابی شوههها در بخش وسیعی از سرزمین کردستان و بخصوص در شهرهای مهاباد، میانداوب، بوکان، خانه و نغده برقرار گشت.

حکومت خودمختار، بحسب اینکه زمام امور را در دست گرفت، دست بیک رشتنه اقدامات فرهنگی زد. برای اولین بار در مدارس تدریس به زبان کردی آغاز شد و روزنامهها - نشریات و کتابهایسی بزبان کردی منتشر گشت، اما ترکیب طبقاتی رهبری جنبش که متشکل از نیروهای بورژوازی، خرده بورژوازی و حتی عناصر فئودال نیز بود، مانع از آن گردید که حکومت خودمختار بتواند اقدامات روشنی بهنفع شوهههای زحمتکش خلق کرد انجام دهد و حتی از دست زدن به یک رشتنه اصلاحات بورژوا - دمکراتیک از جمله

اما علیرغم محافظهکاری رهبری جنبش اقدام انقلابی شوهههای مردم کردستان در تأسیس جمهوری خودمختار، نمیتوانست خشم و کینه ارتجاع داخلی رادرا بران و در رأس آن دربار و شاه و نیز امیرالیکم رابرضیا نکیزد.

از همین رو پس از ۲ بهمن ماه ۱۳۲۶ - حکومت خودمختار کردستان با یورشهای قوای سرکوبگر دولت مرکزی مواجه گشت. شوهههای مسلح در دفاع از جمهوری خودمختار در مقابل مرتجعین ایستادگویی نمودند و دولت مرکزی راه عقب نشینی را در پیش گرفت و پس از یک سلسله مذاکرات حقوقی خلق کرد را برسمیت شناخت و در کردستان آتش بس برقرار گشت.

اما آنچه روشن بود، عقب نشینی قوای سرکوبگر، اگرچه بمثابة سرآغاز نشیبت پیروزیهای خلق کرد تلقی میگردد لیکن در همین حال فرصتی بود تا حکومتگران در لوای مفای خوشبینانه ای که ایجاد گشته بود به تجدید قوای خود و دسه پینی علیه شوهههای انقلابی بپردازد.

بدست انقلابیون کرد، از جمله کسب اسماعیل شریفزاده، سلیمان مقدسی، سلاوا واره زبانه کشید، و علیرغم سرکوشش آن بکیار دیگر در قیام بهمن ۵۷ جنبش خلق کرد، بیکی از وسیعترین جنبشهای شوهههای مددل گشت.

یکی از دستاوردهای ارزشمندی که جنبش خلق کرد در آستانه شکل گیری جمهوری جنبش خلق کرد در آستانه شکل گیری جمهوری خودمختار کردستان بدان دست یافت، ایجاد پیوستگی در مبارزات شوهههای خلق کرد بود. تا قبل از سال ۱۳۲۴ حرکات مبارزاتی شوهههای مردم کردستان بصورت پراکنده و شورشی منفرد بوقوع میبوست، اگرچه مبارزه شوههها برای احقاق حقوق حقه شان در قیام بیانگر مضمون رهائی بخش مبارزات آنان بود.

لیکن بدلیل فقدان رهبری سیاسی مبارزات شوههها حول مطالبات سیاسی اجنماعی مشخصی شکل نمی یافت و غالباً خودشوهی صورت میگرفت.

اما در جریان تدارک و برپایی جمهوری خودمختار، مطالبات و برنامه سیاسی شخصی از جمله خواست اعطای حق خودمختار در معوده ایران، تشکیل انجمن ولایتی انتخاب کارمندان دولتی از اهالی محل، تدریس زبان کردی، تصویب قوانینی ناظر بر روابط فیمابین دهقانان و مالکین و برسمیت شناختن حقوق کلیه ملیتیا و... که از سوی قاضی محمد و شش جنس از همکارانش طرح گردید، علیرغم همه محدودیتهای آن، بزودی زمینه بسیج و تمرکز مبارزات شوهههای حول محورهای مشخص را مهیا کرد.

صرف نظر از اینکه رهبران خلق کرد در آن شرایط دارای کدام نقاط ضعف و قوت بودند و مثلاً با وجود مطالبه مشخص و وجود ستم و فشار بی حد و حصر بر دوش دهقانان طی یکسال برقراری جمهوری خودمختار اقدام مشخصی از سوی دولت خودمختار در زمینه مناسبات ارضی انجام نرسد، اما آنچه مهم است در همین حد نیز بسیج شخصی از شوههها در تریع برپایی جمهوری خودمختار و مقاومت یکبارچه با نیروهای سرکوبگر دولت مرکزی در نخستین مراحل عیسات جمهوری از احیای شان توجیهی برخوردار بود.

سازمان را از مهمترین و اساسی ترین  
دوره خدمت حضور شما بود در تراس  
کنوسی همانا نهاد رهبری پرولتری سر  
این هستی است. این نقطه خدمت فقط  
سینا هستند. اما که تاکنون پیش قابل  
ملاحظه ای از دستاوردهای انقلابی این  
مستشاران برود بلکه در آینده بین  
نظرات جدی تری از سوی رهبری بیرون  
این جنبش را خواهند دید.

همانگونه که بحریه چریکی خدای  
بوده ای و با کار و حضور نشان داده  
مردم رهبری با کار کاروان تمام تحولات  
انقلابی را در کارهای انقلابی مطالبات  
سودهای مردم سرانجام آید و از دست  
مطالبات بدو بهای چشم انداز ایران و  
شعبان سوزش است. این سوزش است.  
سازمان سوزش های مردم کردستان تنها  
نخستین رهبری طیف کارگر می تواند در  
بمورد سوزش مردم.

با تمام است. اولین مال اول  
جمهوری خود ساختار کردستان و بیروزی  
سوزش خلق کردستان با تمامی بیرونیهای  
انقلاب کارگران و رهبران این سوزش با  
سازمان سوزش از حقوق جنبش انقلابی  
برعه و تا پیش از این مطالبات خود چشم  
ایران از دست مردم و خلق خاکست  
انقلابی به دست است. سوزش ها را ایجاد  
سازمان است.

چشمین سالروز تأسیس  
جمهوری خودمآثر کردستان گرامی باد

بد عظیمی در مقابل اجرای سیاستهای  
مد خلقی رژیم ایجاد کرده است.  
اما با وجود تدارم جنبش انقلابی  
سودهای مردم کردستان در دست آوردن  
انقلابی آن. این جنبش و خدمت  
قابل ملاحظه ای سیر برخوردار است.  
یکی از مهمترین مسائل مبارزات  
خلق کرد که حل آن در میان جنبش  
نوده ای راه پیش خواهد بود. همان  
ایجاد ارگانهای رهبری گشته بود. زمان  
دعوت نوده ها و ایجاد و تکمیل  
سازات آنان است. نقطه نفی گسه  
امروز بنوعی همکاری در مبارزات نوده ای  
متأده میگردد و در مراحل گذشته چشمین  
خلق کرد، خود را به اتحاد گوناگون  
نشان داده است.

حزب میتوان گفت تنها در دوره  
سازمان تاریخی از جمله در آستانه  
جمهوری خودمآثر کردستان به رهبری  
قاجار محمد و در آستانه قیام شعبان  
و پس از آن، با تکمیل ارگانههای  
شکل نوده ای و پیوستن در سازمان  
سودها از آثار این عهد عبث گاننده.

بهر حال ، بعد از قیام شعبان ، رژیم  
جمهوری اسلامی که همانند رژیم شاهنشاهی  
حکومتش بر استثمار و سرکوب قرار گرفته  
است ، به ستمگری ملی ادامه داد .  
نوده ای از انقلابی از بند رست  
با فشان بر آرمانهای خود پیش بر رقیب  
ستم ملی و کسب حقوق دیکرانیک بر سر  
رعیته حق تعیین سرنوشت ملت کرد ، به  
مبارزه خود ادامه دادند و یادش آموزی  
از تجارب گذشته خود مبارز ، منجانه ای  
را علیه رژیم تازه بقدرت رسیده جمهوری  
اسلامی آغاز نمودند ، و علیرغم تمام  
مخاکیها و ددمنشیهای رژیم ، همچنان  
بر آرمانهای خود پای می فشارند .

خلق کرده بخوبی بی برده است تنها  
با توتل به مبارزه مسلحانه و شکست  
مرتجعین میتواند به خواستهای انقلابی  
دیکرانیک خود جامه عمل بپوشاند ، اکنون  
یعنی از شان سال است که بلاوقفه مبارزه  
مسلحانه خود را علیه رژیم پیش برده

رژیم جمهوری اسلامی ، با وجود اعمال  
سرکوب و ستمگری بر نوده های خلق کرد ،  
امروز دیکریارها و بارها ضد و بونیاش  
را در مقابل استواری و مبارزه جوشی  
نوده ها تجربه نموده است . امروز  
بداومت آتش میلیلهای بیشمرگان ، در  
راستای جنبش اعتراضی کارگران و  
زحمتکشان کردستان در شهرها و روستاها

چهارم عریان

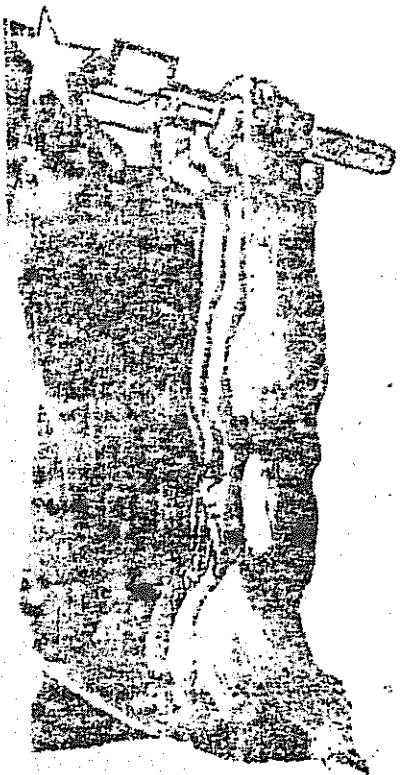
اپورتونیسیم!

ایده های بورژوازی و انحلال طلبانه خود  
در تشکیلات پیشمرگه ، از طریق روابط  
محفلی با تعدادی از عناصر متزلزل و  
نا آگاه ، تشکیلات پیشمرگه را با هرچ و مرج  
و آشوازی روبرو کرده بودند ، پس از طرد  
و انشاء بدگاه اپورتونیسیتی شان  
توسط نیروهای تشکیلات ، انرژی بیشتری  
را برای جذب تعدادی دیگر از پیشمرگان  
بکار می آورند . و از گانه های غیر تشکیلاتی  
و با استفاده از هر شیوه ارتجایی تلاش  
نموده که با وارونه جلوه دادن مسائل  
تشکیلات ، اعتماد آگاهانه آنها را بس  
سود طلب کنند .

در بالاخره نیز بعد از چند ماه تسلان  
مغیانه ، دست در شرایطی که فرصت  
سیار کوتاهی تا موعد برگزاری کنگره  
ماده بود ، در جراس از افشا شدن هر چه

سخت نظرات راست و اپورتونستی خود  
و عملکردهای ضد تشکیلاتی شان ، روز چهارم  
بیمین ماه با تحریک احساسات بخششی  
از پیشمرگان توسط یکی از مادران شهیدی  
سازمان که آلت دست این باند توطئه گسر  
قرار گرفته بود ، فریبکاری و رباکاریهای  
خود را تکمیل نموده و توتل جداستکارانه  
خود را علیه طیفه کارگران ایران و سازمان  
پرافتخارش به اجرا گذاشتند و بدگاه  
اپورتونیسیتی و انحلال طلبانه خود را با  
عمل ارتجایی درهم آمیختند .

سازمان ما که تاکنون با برافراشته  
- داشتن پرچم مارکسیم - لنینیسم  
سازره قاطعانه ای را علیه اپورتونیسیم  
در کلیه اشکال آن به پیش برده است  
این بار نیز در ادامه انشاء و آشورای  
بدگاههای اپورتونستی با شدمدنی -  
شعبانی در عرصه تشکیلاتی ، باورنمایی  
کمونیستی به مقابله با توطئه چهارم  
بیمین ماه سرخاست و اپورتونیسیم را  
در چهره سران این باند تبهکار را شکست  
مواجه ساخت .



# اطلاعیه کمیته کردستان

## بمناسبت شانزدهمین سالروز بنیانگذاری سازمان وهشتمین سالروز قیام مسلحانه

کارگران و زحمتکشان ایران!  
خلق مبارز کسره!

نوزدهم بهمن ماه سالروز رستاخیز  
سیاحکل، روز بنیانگذاری سازمان  
چریکهای فدائی خلق ایران و بیست و دوم  
بهمن ماه سالروز قیام عظیم و شکوهمند  
بهمن ۵۷، روزی که توده‌های مردم با  
قیام مسلحانه خود رژیم سلطنتی را در  
ایران بگور سپردند، بمثابة نقطه عطفی  
در جنبش کمونیستی و جنبش توده‌های  
کارگر و زحمتکش ایران فرارسیده است.  
ما در شرایطی در آستانه بزرگداشت  
این دو روز تاریخی قرار داریم که  
بحران اقتصادی و سیاسی حاکم بر جامعه  
روزبروز ژرفتر و عمیقتر میشود. مبارزه  
طبقه کارگر علیه طبقه سرمایه‌دار رژیم  
جمهوری اسلامی رشد و گسترش میابد و جنبش  
توده‌ای در بستر بحران حاکم برجای  
در حال اعتزیه مداوم است.

رژیم جمهوری اسلامی از همان آغاز  
با یورش وحشیانه به دستاوردهای گرانقدر  
قیام مسلحانه توده‌ها، در حالیکه  
با تراز و عاجز از تعدیل بحران حاکم بر  
جامعه می‌باشد، مذبحخانه درمدمد تشبیت  
حاکمیت ضد انقلابی سرمایه داران و  
زمینداران برآمده است. این رژیم  
ارتجاعی که جز فقر و فلاکت، بیکاری  
گراشی، جنگ و کشتار، سرکوب و اختناق  
اعدام و شکنجه برای زحمتکشان ارمنی  
نداشته است، در هراس از رشد و گسترش  
نیازات زحمتکشان با توسل به دیکتاتور  
عریان و عنان گسیخته و سلب  
ابتدائی ترین حقوق توده‌های مردم سر  
تنت سیاستهای سرکوبگرانه و قرون -  
وسطائی خود میافزاید.

اما علیرغم کلیه سیاستهای  
سرکوبگرانه و ارتجاعی رژیم جمهوری  
اسلامی، کارگران و زحمتکشان این سران  
پون آنکه کمترین غلغلی در اراده  
فتان پذیرتان بوجود آمده باشد، با  
استفاده از شعار مبارزاتی امن  
و خونین خود طی پروسه هفت ساله  
سجنان مقاوم و استوار در جهت رسیدن  
به اهداف انقلابی خود پای میفشارند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
که مدافع سناخ طبقه کارگر و از موضع  
این طبقه مدافع منافع عموم توده‌های  
زحمتکش و ستمدیده است و هدف نهایی  
خود را برقراری سوسیالیسم و ایجاد  
جامعهای رها از هرگونه ستم و استثمار  
قرار داده است، اکنون که پانزده سال  
از رستاخیز سیاحکل بمثابة آغازگر  
دوره‌ای نوین در جنبش کمونیستی میگذرد  
با پشت سر گذاشتن پانزده سال مبارزه  
بیگیرانه و معمانه تنها چیرانی است  
که علیه تمام جریانات ارتجاعی،  
اپوزیسیون فدا انقلابی و اپورتونیستهای  
رنگارنگ در جنبش کارگری و برنام‌های  
آنها بیخاسته و در مرحله کنونی انقلاب  
بیگیرانه خواستار تحولات بنیادی  
و انقلابی و اجرای فوری برنامه حداقل  
طبقه کارگر ایران است. مواضع اصولی  
و انقلابی سازمان، دشمنی کلیه  
جریانات بورژوازی و اپورتونیستی را  
تلب مایرانیخته و هر کدام در پیشبرد  
این دشمنی به دسیسه‌ها و نیرنگهای  
گوناگونی متوسل میشوند. سنگین ترین  
اشکال این توطئه‌ها را چند  
اپورتونیست خائن در ایران دشمنی با  
طبقه کارگر ایران و سازمان ما مرتکب  
شدند و هنگام باپوزروازی و عوامل آن  
در جنبش که تحمل مواضع پرولتری صدای  
فدائی رانداشتند، با برنامه از بیست  
طرح ریزی شده‌ای به مرکز رادیوئی فرستند  
صدای فدائی مسلحانه سله کردند. این  
عوامل بورژوازی که از آشکار شدن هر چه  
بیشتر مواضع اپورتونیستی و راست خود  
و بر ملا شدن حرکات انحلال طلبانه  
و ضد تشکیلاتی شان در کفره دوم سازمان  
که فرصت کوتاهی تا موعد برگزاری آن  
باقی مانده بود، هراس داشتند، با این  
عمل ارتجاعی و فناداری خود را به بورژوازی  
به اثبات رساندند.

روز چهارم بهمن ماه سران این بانده  
توطئه‌گر که احساسات با درانه یکی از  
مادران شهدای سازمان که قادر به درک  
واقعیات جنبش و خیانت یکی از نزدیکان

خود نمیباشد وسیله دستیابی به اهداف  
شوم خود قرار داده و با فریب و تحریک  
احساسات تعدادی از پیشمرگان یکی از  
مقرهای سازمان، توطئه خائنه خود را  
به اجرا درآوردند، آنها در حالیکه  
کلیه خشای خالی خود را بر از فشنگ  
کرده و در لوله اسلحه چند تن از رفقای  
پیشمرگ که مدافع مواضع انقلابی  
سازمان بودند، خاک ریختند، آتش  
بی سیم این مقر را به دستور نریسند  
فصل اکثریتی قطع کرده و به سوی مرکز  
رادیوئی سازمان به حرکت در آمدند.  
یکی از فریب‌خوردگان نیز به دستور  
سران جنایتکار این توطئه به جای  
اسلحه سازمانی خود، ژم به مسلسل

آر . بی . کا . مسلح شده بود.  
این حرکت انحلال طلبانه در تداوم  
سیاستهای ضد تشکیلاتی این بانده توطئه‌گر  
بیش از پیش ماهیت سیاستهای  
تشکیلات شکنانه آنها را عیان ساخت.  
رفقای مشرول مستقر در این مقر، با  
احساس مسئولیت در قبال جنبش کمونیستی  
و سازمان، با توجه به خواست سران ارتجاعی  
بنی بر ایجاد تشنج و سرگیری از این  
اسر برهیز نموده و هرگونه دستاویز  
تشنج را از آنان سلب کردند.

عصر همانروز این گروه با تسددارک  
قلمی به مقر رادیو حمله میکنند. حمله  
مسلحانه این خائنین به مرکز رادیو با  
دفاع قهرمانانه رفقای مستقر در آن  
مرکز درهم شکست و سد تن از رفقا در  
دفاع از آرمان والای پرولتاریا که در  
مواضع انقلابی سازمان تجلی می یابد،  
جان باختند.

مصطفی مدنی و فرید، اکثریتی‌های  
سابق که ریاکارانه نظرات اپورتونیستی  
خود را مخفی کرده بودند، به همسراد  
حماد شبانی عنصر خائن و ضد فدائوسی  
که بدلیل اقدامات ضد تشکیلاتی  
و توطئه‌گرانه از سازمان اخراج شده بود  
تا به اجرا گذاشتن این توطئه  
جنایتکارانه و با به زمین ریختن خون



اطلاعیه شماره ۲

کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

درباره حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیویی سازمان

کارگران و زحمتکشان سراسر ایران!  
سازمهای انقلابی و مترقی!

همانگونه که در اطلاعیه شماره یک مختصراً به آگاهی رسید روز جمعه ۴ بهمن ماه حدود ساعت ۳ بعد از ظهر باند توطئه‌گر مصطفی مدنی و فرید از افراد سابق اکثریت که پس از اظهار ندامت از اعمال و رفتار شنگین خود در سال ۶۱ به سازمان پیوسته بودند و نیز حماد شیبانی که در تاریخ ۶۴/۱۱/۳ بنا به روشهای توطئه‌گرانه ضد تشکیلاتی اش از سازمان اخراج شده بود بر طبق یک برنامه از پیش طرح‌ریزی شده با ترس دادن چند تن از پیشمرگان یکی از مقرهای سازمان در کردستان بمنظور اشغال مرکز رادیویی سازمان دست به حمله نظامی به مقر رادیو زدند اما با مقاومت قهرمانانه رفقای مستقر در مقر رادیوی سازمان این اقدام خائسانه پس از کشته و زخمی شدن پنج تن از فریب‌خوردگان مسلح این باند توطئه‌گر درهم شکسته شد. هم‌اکنون سران این باند توطئه‌گر به نیروهای منطقه پناه آورده‌اند که بدین وسیله کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران مصراسته خواستار استرداد این افراد جنایتکار از آنها میباشد. آخرین اطلاعات واحد حاکی از آن است که این افراد بعد اتحادیه میهنی کردستان پناهنده شده‌اند. ما از دفتر سیاسی اتحادیه میهنی کردستان خواستار تحویل این افراد به سازمان می‌شویم.

کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۶۴ / ۱۱ / ۶



اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

درباره حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیویی سازمان

کارگران و زحمتکشان سراسر ایران!

روز جمعه ۴ بهمن ماه گروهی مسلح به مرکز رادیویی سازمان حمله کردند. در رأس این توطئه ۲ تن بنامهای مصطفی مدنی و فرید از افراد سابق اکثریت که بعداً بنا اظهار ندامت نسبت به گذشته شنگین خود به سازمان پیوسته بودند و نیز محمود اخوان بیطرف (حماد شیبانی) یکی از طرفداران شورای ملی مقاومت و مجاهدین که در تاریخ ۶۴/۱۱/۳ از سازمان اخراج شده بود، قرار داشتند. این توطئه مسلحانه درهم شکست و در جریان دفاع قهرمانانه از مرکز رادیویی سازمان سه تن از رفقا شکیه در بخش رادیو کسار میکردند، رفقا، کاوه، اسکندر و حسن بشاهدت رسیده‌اند و دورفیق دیگر بنامهای بهزاد و مصطفی زخمی شدند و چند تن از فریب‌خوردگان مسلح نیز کشته و زخمی شدند. مرکز رادیویی سازمان هم‌اکنون در دست رفقای سازمان قرار دارد. مصطفی مدنی و فرید نیز جزء اخراج شدگان میباشد. سران این باند توطئه‌گر به نیروهای منطقه پناه برده‌اند که بدین وسیله کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران مصراسته خواستار استرداد این افراد جنایتکار از آنها می‌باشد. اقدام توطئه‌گرانه این باند ضد تشکیلاتی خیانت به طبقه کارگر ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران محسوب میگردد.

کارگران و زحمتکشان سراسر ایران!

بورژوازی و عوامل رنگارنگ آن نمیتوانند "صدای فدائی" بانگ رسای کارگران و زحمتکشان را تحمل کنند. آنها دست به یک عمل توطئه‌گرانه و خیانتکارانه علیه طبقه کارگر زدند، اما غافل از اینکه تا یک فدائی زنده باشد، اجازه نخواهد داد رادیوی سازمان در دست عوامل بورژوازی قرار گیرد. جزئیات این توطئه بعداً با اطلاع عموم مردم ایران خواهد رسید.

کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۶۴ / ۱۱ / ۵

پرولتاریا و رهبری مبارزات آن، به سوی سوسیالیسم پیش خواهد شتافت. سرنگون باد رژیم جنجوری اسلامی برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی آن نابود باد ایورژونیم در تمامی اشکال آن

دراعترازا دبیرم سرخ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران زنده باد سوسیالیسم کمیته کردستان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ۶۴/۱۱/۱۸

بورژوازی را در ایران درهم نشورد، اکنون که صف انقلاب و ضد انقلاب با وضوح کامل از هم تفکیک شده و بعد از سالها کشاکش، انواع، ترفندهای ایورژونیم با نمودهای متفاوت ماهیت واقعی خود را به کارگران و زحمتکشان سراسر ایران نشان داده است، سازمان ما همچنان مستحکم و استوار، پیگیرانه با بافتاری بر مواضع پرولتری خود و با پرجمداری مبارزه بی‌امان علیه امپریالیسم و پایگاه داخلی و افشاء ایورژونیم و هرگونه انحراف در درون جنبش کارگری، با سازماندهی

## اطلاعیه کمیته کردستان...

رفقای فدائی، کاوه، اسکندر و حسن در ماه بهمن، ماه قیام و سیاه‌کسل، دشمنی خود را با طبقه کارگر و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به عینیت بنمایش گذاشتند.

اما اکنون که تلاطم مبارزه طبقاتی در درون جامعه و در رأس آن مبارزه طبقه کارگر می‌رود تا طومار شنگین



اطلاعیه هیئت تحریریه نشریه "کار" و "صدای فدائی"

در باره حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیویی سازمان

کارگران سراسر ایران!

حمله مسلحانه عوامل بورژوازی در روز چهارم بهمن ماه به مرکز فرستنده رادیویی سازمان بار دیگر تلاش مایوسانه بورژوازی را علیه طبقه کارگر ایران بنمایش گذاشت. رشد آگاهی و بیداری طبقه کارگر ایران همه مرتجعین رابه هراسی دهشتناک دچار ساخته است. هرچه لحظه سرنگونی رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران نزدیکتر میگردد، بورژوازی و عوامل رنخارنگ آن برداشته اقدامات ارتجاعی خود علیه این طبقه میافزایند. بورژوازی در مبارزه خود علیه طبقه کارگر ایران قیل از هر چیز حملات خود را منوجه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بنماید و جدان بیدار و منظر آگاهیه طبقاتی کارگران نموده است.

شما می تلاشهای سرکوبگرانه بورژوازی علیه سازمان، اعدام هزاران فدائی و دستگیریهای مداوم کارساز نیسوده است. بجای هر فدائی که به جوخه اعدام سپرده شده و بسا برندان افتاده است، دهها فدائی بساخسته اند. بنا براین بورژوازی به مایوسانه ترین شیوه های خود متمول شده است. حمله مسلحانه عوامل بورژوازی تحت رهبری خائنینیسی همچون مصطفی مدنی و حماد شیبانی که با مقاومت قهرمانانه رفقای مستقر در مرکز رادیویی و شهادت سه رفیق ما درهم شکست، تازه ترین تلاش بورژوازی را علیه طبقه کارگر ایران و پیشاهنگ آن نشان میدهد. بورژوازی این بار حمله خود را علیه سازمان با حمله مسلحانه به مرکز فرستنده صدای فدائی به اجرا درآورد. چراکه صدای فدائی خارجتم تمام مرتجعین شده بود. بورژوازی نمیتوانست نقش آگاهگران بسا و بیدارکننده صدای فدائی را تحمل کند. نمیتوانست همه روزه شاهد آگاهی روزافزون طبقه کارگر و توده های زحمتکش ایران باشد. بنا براین مایوسانه حمله به مرکز رادیویی را سازمان داد.

همه این تلاشهای مایوسانه تنها یک چیز را اثبات میکند: طبقه کارگر ایران و سازمان پیشاهنگ آن اکنون به چنان مرحله ای از رشد و قدرت رسیده است که بورژوازی تمام نیرو و امکانات خود را علیه آن بکار گرفته است. اگر چنین است بگذار مرتجعین ذریع برابری قدرت طبقه کارگر با سوزبونی خود را نشان دهند. بگذار بورژوازی و عوامل رنخارنگ آن دست بکار شوند. طبقه کارگر ایران به نیرووشی شکست ناپذیر تبدیل شده است.

بیروز یاد طبقه کارگر ایران

زنده باد سوسیالیسم

هیئت تحریریه نشریه "کار" و "صدای فدائی"

۶۴/۱۱/۸



اطلاعیه

کارگران و زحمتکشان سراسر ایران! خلق مبارز کسرد!

اپورتونیستهای خائن اکثریتی که بمشابه عوامل نفوذی بورژوازی در درون سازمان ما چهره جدیدی از خیانت بسا طبقه کارگر از خود نشان دادند، و با حمله به مرکز فرستنده رادیویی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، بار دیگر چاکر منشی خود را در آستان بورژوازی به ثبت رسانیدند. مصطفی مدنی و فرید از افراد سابق اکثریت که ظاهرا در رابطه با گذشته تنگین خود مرزبندی کرده بودند تا به صفوف سازمان بپیوندند، به همراه حماد شیبانی عضو اخراجی سازمان در راس گروهی مسلح به مرکز فرستنده رادیویی سازمان حمله کردند.

حمله مسلحانه به مرکز رادیویی صدای فدائی بانگ رسای کارگران و زحمتکشان ایران با دفاع قهرمانانه رفقای مرکز رادیویی سازمان درهم شکسته شد و داغ تنگ جدیدی بر پیشانی اپورتونیسم نهاد.

کمیته کردستان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، توطئه این باند ضد تشکیلاتی را علیه طبقه کارگر ایران و علیه سازمان رزمنده اش، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بسا نددت محکوم میکند و قویا تاکید دارد: ما دامیکه یک فدائی زنده باشد اجازه نخواهد داد رادیویی سازمان در دست عوامل بورژوازی قرار گیرد.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - کمیته کردستان

۶۴ / ۱۱ / ۹



اطلاعیه شماره ۳

کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

در باره حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیویی سازمان

کارگران و زحمتکشان سراسر ایران! خلق مبارز کسرد!

بشمال خوزستان دارو دسته مصطفی مدنی و حماد شیبانی در روز چهارم بهمن ماه بمسفر انتقال مرکز فرستنده رادیویی سازمان که با دفاع قهرمانانه رفقای مستقر در مرکز رادیویی سازمان انجام شد. این حمله به اتحادیه سیمین کردستان بنمونه شده بود. در کمیته از بارگاه های اتحادیه سیمین اسکان داده شدند.

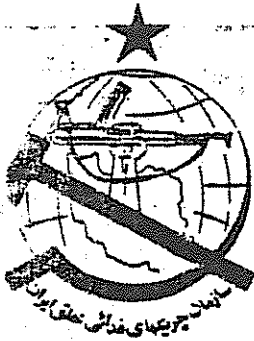
این تلاشها در تاریخ سیم بهمن ماه اتحادیه سیمین کردستان - افراد این اتحادیه توسط گروهی از اعضای تحریک به سازمان - در بنای پیشمرگان مرده مکر رادیو آورد و در کمیته اسکان داد.

در سازمان زمان و فعل از آوردن شدن این افراد توسط اتحادیه سیمین کردستان به مقر رادیو در شمال خوزستان به سازمان - موقت به ورود به مقر رادیو شده بودند. بنا براین همه سازمان در کردستان طی تا صدای به دفتر سیاسی اتحادیه سیمین کردستان - غیرمعمولی بسردن این اقدام در شرق و جنوب و اجاه آورده و آنها بمشابه دتالت در امور داخلی سازمان محکوم نموده بسرد.

با این وجود، اتحادیه سیمین کردستان قس اسکان این حمله در یکی از اطلاعاتی مقر رادیو بمشابه دتالت در امور سازمان ادامه داد.

از اینرو کمیته مرکزی سازمان بار دیگر خواستار آنست که سران این حمله کسرد بسرای محاکمه ای عادلانه و مرجح در اختیار سازمان قرار داده شوند و در مورثکه اتحادیه سیمین کردستان بسرد دلیل این عناصر را جهت محاکمه به سازمان تحویل بسدهد. موکدا خواستار آنست که اعضا و همکارانش خارج از مقر رادیو شگهاری بساید.

## اطلاعیه شماره ۴



### کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

### پیرامون کمیسیون تحقیق

### درباره حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیویی سازمان

کارگزاران و رحمتکشان سراسرایران!  
سارمانهای انقلابی و مترقی!

در پی حمله مسلحانه باند مصطفی مدنی - شیبانی به مرکز فرستنده مدای فدائی، اتحادیه میهنی کردستان در تماس با نماینده سازمان در کردستان پیشنهاد نمود که بمنظور موضعگیری اتحادیه میهنی در مورد این واقعه کمیسیونی مرکب از برخی نیروهای سیاسی جهت تحقیق پیرامون حمله مسلحانه چهارم بهمن ماه تشکیل شود. نماینده سازمان ضمن پذیرش این پیشنهاد، متذکر شد که اعضاء کمیسیون باید شامل آن نیروهای سیاسی باشد که در حمله مسلحانه به مقر رادیو، مستقیم و غیر مستقیم دخالتی نداشته و موضعی مفرطانه نداشته باشند. براین مبنا موافقت شد که کمیسیری مرکب از اتحادیه میهنی کردستان، سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (گروه) و ماموستا شیخ عزالدین حسینی تشکیل شود.

در اولین نشست مقدماتی این کمیسیون روشن گردید که درک واحدی از اهداف و محدودیه وظایف کمیسیون وجود ندارد. از حمله در بین اعضاء کمیسیون این تصور تفهیم شده که کمیسیون بشأبه پیشنهاد سازمان تشکیل شده است.

نماینده سازمان در کمیسیون متذکر گردید که اولاً کمیسیون از سوی اتحادیه میهنی پیشنهاد گردید و مورد موافقت سازمان قرار گرفت و ثانیاً نتایج تحقیقات کمیسیون در جهت اتخاذ موضع اتحادیه میهنی قرار دارد و موضع سازمان در مورد حمله مسلحانه به مقر رادیو روشن است و در اطلاعیه‌های شماره یک و دو کمیته مرکزی منعکس گردیده است.

بدین ترتیب نشست مقدماتی این کمیسیون خاتمه یافت. سپس اتحادیه میهنی، کمیسیونی تحت عنوان کمیسیون ناظر بر تحقیقات اتحادیه میهنی مرکب از سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (گروه) ماموستا شیخ عزالدین حسینی، راه کارگر حزب دمکرات و چریکهای فدائی خلق تشکیل داد و این کمیسیون از روز ششم بهمن ماه کار خود را آغاز کرد.

ترکیب کمیسیون ناظر بر تحقیقات اتحادیه میهنی، هرچند برخلاف مذاکرات اولیه شامل نیروهای بود که در حمله مسلحانه به مقر رادیو دخالت آشکار داشته‌اند و ما بعداً اسناد و مدارکی را در این باره منتشر خواهیم کرد و همچنین شامل جریان‌هایی است که میخواستند کمیسیون را مستمکی قرار داده و وارد مسائل درونی سازمان شوند و هرچند طی مدت تحقیقات و پس از آن از سوی اتحادیه میهنی دخالت‌های غیر اصولی در کار سازمان صورت پذیرفته است، اما رفتاری مادمقر رادیو بمنظور افشاء شدن هرچه بیشتر تبهکاریهای باند مصطفی مدنی - شیبانی در سطح جنبش که حتی با همین ترکیب نیز نمیتوانست بهمان معنای با عزمی آهنین و ایمانی خلل ناپذیر، شرایط ادامه کار کمیسیون تا ارائه نتیجه را فراهم نمودند.

طی تحقیقات، همانگونه که از پیش کاملاً مشخص بود، توطئه اشغال مسلحانه مقر رادیو و حقانیت دفاع قهرمانانه رفقای ما بیش از پیش آشکار شد. بطوریکه حتی کمیسیون، از تحقیق پیرامون مدارک رشوادی که تدارک جماعه مسلحانه را اشیات مینمود و از سوی رفقای کمیته کردستان سازمان مطرح گردیده بود، از جمله قطع بی سیم، از کار انداختن اسلحه‌های مخالفین حمله مسلحانه به مقر رادیو بوسیله پر کردن خاک و برداشتن سوزن، برداشتن خشابهای اضافی و آمادگی نمودن اسلحه‌ها بپیران تهاجم، تعویض سلاحهای سازمانی افراد مهاجم با سلاحهای که امر اشغال را تسهیل مینمود و غیره خبری نیار یافتند و کفایت تحقیقات از سوی اتحادیه میهنی اعلام گردید.

اما اکنون که هفت روز از پایان کار کمیسیون ناظر بر تحقیقات اتحادیه میهنی میگذرد، هنوز نتایج بدست آمده بصورت رسمی انتشار نیافته است.

لذا کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران خواستار آنست که:

- ۱- دستور روشن تر شدن ابعاد توطئه جنایتکارانه باند مصطفی مدنی - شیبانی، کلیه اسناد، مدارک و نوارهای مربوط به تحقیقات پیرامون حمله مسلحانه به مقر رادیو، در اختیار کلیه نیروهای انقلابی و مترقی قرار بگیرد و بصورت علنی در سطح جنبش انتشار یابد.
- ۲- از اتحادیه میهنی کردستان انتظار داریم که موضع صریح خود را در مورد توطئه مسلحانه اشغال رادیو هرچه زودتر اعلام کنند.

# اخبار جنبش توده‌ای



و ارگانه‌های تبلیغی خود، به فریب و تحمیل محملین میپردازند و تحت عنوان "سیخ مسلح مدارس" با دادن نفیست به آنان و ذکر اینکه "پیشمرگه با سیخ کاری ندارد" سعی میکنند از این طریق به سیاست ارتجاعی رژیم مسمی برتسلیم اجباری جامعه عمل ببوشانند.

چندی پیش، حاشیای مزدور روستای "کاسورده" با همدستی سنی چسبید از پاسداران ارتجاع، چند خانسواده زحمتکش این روستا را تحت فشار قرار داده و آنان را در فصل سرما و یخبندان مجبور به ترک خانه و کاشانه خود میکنند. بانه: صبح روز یازدهم بهمن ماه بازار "ظهورنی" بانه، توسط نیروهای مزدور پاسدار با انواع سلاح گلوله باران میشود. این عمل ارتجاعی با آتشش بنسیرگان انقلابی پاسخ داده میشود که طی آن حداقل نشتن از پاسداران به هلاکت میرسند.

در تاریخ پنجم بهمن ماه، اهالی روستای "پیان" در اعتراض به اعمال سرکوبگرانه فرمانده مزدور پایگاه در صدد برمیآید تا غلشه او طوماری سپید کنند. فرمانده مزدور که از این موضوع اطلاع نیی باید، بمنظور ارضای اهالی، افراد خود را به داخل روستا اعزام میکند. روستائیان، با بسدن مزدوران، بدگرد آنها جمع کرده و آنها را به محاصره خود در میآورند و امکان هرگونه حرکتی را از آنان سلب میکنند. مدتی بعد مزدوران تازه نفیسی به این روستا اعزام میشوند. مزدوران کینه از این طریق تقویت میشود به توده اهالی تعرض کرده و به سرکوب آنان میپردازند و بیچ نفر از جوانان را دستگیر میکنند. نردای آرزو کلیه اهالی "پیان" طی یک راهپیمایی عازم روستای "کوخان" که مرکز سیاه پاسداران در آنجا واقع است میگردد و در مقابل این ارکان سرکوب دست به اعتراض میزنند و تا آزادی کلیه دستگیرشدگان به اعتراض خود ادامه میدهند.

اما مقاومت متحدانه اهالی روستا در مقابل این خواست ارتجاعی مزدوران موجب ناکامی آنها میشود. در تاریخ چهاردهم بهمن ماه بنسیر مزدوران ضمن تشدید اراغاب اهالی، یازده نفر از زحمتکشان روستائی را به جرم عدم همکاری با آنان دستگیر نموده و به شهر میآورد انتقال میدهند. اهالی روستا نسبت به این حرکت مرتجعین ندیدند اعتراض نموده و در تاریخ شانزدهم بهمن بنظور دسته جمعی به شهر میآید میروند و در مقابل مقر سیاه پاسداران جمع میکنند. آنان ضمن اعتراض نسبت به دستگیری روستائیان به مزدوران میگویند: "یا دستگیرندگان را آزاد کنید و یا تمام اهالی را بگیرید و زندانی کنید." و آنقدر به اعتراضات خود ادامه میدهند تا سرانجام دستگیرشدگان آزاد میشوند.

بیرانشهر: رژیم جمهوری اسلامی، اخیراً تعدادی از نفوذیهای منطقه "پیران" را مسلح نموده و یک پایگاه، وهمه گونه امکانات دیگر در اختیار آنها قرار داده است. سرکوبگران، ضمن ترغیب و تشویق این مزدوران به آزار و سرکوب اهالی، از آنان خواسته‌اند تا در جهت تأبودی جنبش انقلابی خلق کرد همه سعی و تلاش خود را سگار بندند.

مزدوران رژیم در مدارس منطقه بیرانشهر بمنظور تسلیح دانش آموزان به حیلہ جدیدی متوسل شده‌اند. آنان از طریق عناصر مزدور و سرکوبگر

## سرکوب و حشیانه

## زحمتکشان

نشانه ترس و زبونی رژیم در مقابل جنبش توده‌ای است

## مهاجرات

در تاریخ بیست و یکم دیماه روستای "ههچی" مورد حمله وحشیانه مزدوران رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفت. مزدوران طی این حمله دهستانه سنی سرکوب اهالی برداختند و سنی دو خانه و سه انبار علوفه روستائی زحمتکشان را به آتش کشیدند و ده را از احتیاج آنان را نیز کشتند. این حرکت وحشیانه مزدوران موجب اعتراض اهالی و خصوصاً زنان زحمتکش روستائی گردید. سرکوبگران با حمله مجدد به این روستا، ضمن خانه‌گردی، به غارت اموال روستائیان پرداخته و به اسب را نیز با خود بردند. همچنین، نفوذیهای جاش منگور، به روستای "دی به کر" در منطقه منگور میآید میروند و در آنجا اقدام به تاسی پایگاه میکنند. این خانسواده اهالی روستا را مورد تهدید قرار میدهند که باید به نفع رژیم مسلح شوند و بنا آنکه فرزندان را در سربازی بفرستند.

## شوشان

در این بنا پاسداران در پیج در روستای "قور" آسار، برده‌اند مسلح سالهای را دستگیر و زندانی میکنند و از

### آخبار جنبش توده‌ای

او میخواهند که با سلاح مبارزه فرزندش شود و یا او را تحویل دهد. اما پیرمرد زحمتکش در جواب مزدوران میگوید: "منه نشناختم، منم از مبارزه منع نخواهم کرد، بلکه اگر خون‌توانایی بدست گرفتن اسلحه داشتم به صفوف پیشمرگگان می پیوستم". سرکوبگران که مقاومت و جسارت او را می بینند به آزار و شکنجه او میپردازند و او بعد از ده روز به شهادت میرسد.

### بوکان

مزدوران رژیم جمهوری اسلامی چندی پیش چهار نفر از اهالی روستاهای "توکریان" و "قهیل" را که به زور مسلح شده بودند، به جرم تسلیم نشدن، در مقابل حواستهای ارتجاعی و سرکوبگرانه مزدوران پس از مدتی امارت به جوخه اقدام می‌سیرند.

### اورامانات

بشماره توپ و خمپاره باران خصوما شهرک "نوسود" توسط مزدوران رژیم جمهوری اسلامی تعداد زیادی از مردم این منطقه مجروح گشتند و خسارت فراوانی به اماکن مسکونی اهالی وارد آمد. پیشمرگان قهرمان، با نفوذ به شبانه به منطقه، پایگاه جاشها را مورد حمله قرار داده و شماری از آنان را به شهادت رسانیدند.

### سقز

مدتی پیش تعدادی از جاشهای خود فروخته، در محبت پاسداران ارتجاع بد روستای "دابه سلیمان" واقع در منطقه سقز بطور وحشانه‌ای هجوم بردند و سر رعب و تهدید، بد سرکوب‌آهالی این روستا پرداختند. مزدوران سپس دست به غارت و چپاول اموال اهالی زدند و با بیرون ریختن لوازم زندگی اهالی از

به نمایش میگذارند.

### ربط

چندی قبل روستاهای "نه لوسه" "نهستان"، "بولان"، "دوله توو" و ... از سوی مزدوران رژیم مورد حمله قرار گرفت. سرکوبگران طی این حمله وحشیانه خود، به سرکوب و تهدید اهالی پرداختند و اموال زحمتکشان را به غارت بردند. مزدوران حتی از غارت و چپاول فراتر و جای اهالی نیز دریغ نکردند. همچنین مدتی قبل، تعدادی از مزدوران رژیم، در پوشش افراد ناشناس، از نواحی روستاهای حومه ربط به احاطه پرداختند. آنان در کمال بی‌ترسی خود و بشمرگه معرفی نمودند.

### سردشت

شب بیست و چهارم دیماه روستای "برلان سفلی" در منطقه سردشت مدت ۴ ساعت زیر آتش شدید توپخانه مزدوران مستقر در پایگاههای "برلسان" و "گردزایه" قرار گرفت. پیر اثر این عمل جنایتکارانه خسارت مالی زیادی به اهالی روستا وارد آمد، تعدادی از خانه‌ها سکونی بکلی ویران شد و چند راس از احشام اهالی نیز تلف گردید. اهالی زحمتکش روستای "قلعه رش" در منطقه بازار سردشت که از اعمال مسدار سرکوبگرانه مزدوران به تنگ آمده بودند روز شانزدهم بهمن ماه متحداً به مقابله با جاشهای مزدور برخاسته و با حمله انقلابی با آنان به زد و خورد پرداختند. روز بعد اهالی روستای شهر سردشت قتل و با تجمع در مقابل مقر مزدوران رژیم، نسبت به سیاستهای سرکوبگرانه آسمان دست به اعتراض زدند.

### مریوان

مریوان: بیستم بهمن ماه مزدوران گروه فریب وارد روستای "کاهگل" در بخش "کهنه بوشی" و مردم را شهادت‌هستی خود را با مردم "سفت تاله"

خانه‌ها، خود در این خانه‌ها ساکن شده و آنرا به مرکز استقرارشان تبدیل نمودند. اهالی زحمتکش این روستا مجبور به ترک محل زندگی خود شده و به شهر سقز و روستاهای اطراف آن پناهگاه برده‌اند.

مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، در ادامه سیاستهای سرکوبگرانه خود، در منطقه سقز و سقز جنایت‌آفرینند. در تاریخ هفتم بهمن ماه، یک سرهنگ مزدور، با تفاق یکی از آخوندهای جنایت‌پیشه بمنظور باز دید اردو پایگاه که در نزدیکی روستای "سفت تاله" واقع شده است، به این مراکز سرکوب سرکشی میکنند. سرکوبگران مستقر در این پایگاهها، برای نشان دادن نهایت خونی خدمتی و جاکرمنشی به فرماندهان مزدور خود، و سرای با مطلع نمایش آمادگی رزمی خود در سرکوب زحمتکشان خلق کرد، با انواع سلاحهای سنگین اقدام به تیراندازی میکنند و کوهپایه‌ها و ارتفاعات محاور روستا را زیر آتش شدید خود مسکینند.

در اثر این عمل وحشیانه مزدوران، با انفجار یک گلوله خمپاره دو جوان روستائی در دم شهید میشوند و شش نفر دیگر از اهالی زحمتکش که در اطراف روستا مشغول بکار بودند، به شدت زخمی میگردند. دیگر اهالی زحمتکش روستا بلافاصله به کمک مجروحین میشتابند و سپس با تجمع در مقابل پایگاه سرکوبگران ضمن نثار دادن علیه مزدوران و علیه رژیم کینه و نفرت عمیق خود را نسبت به این عمل جنایتکارانه به نمایش میگذارند. توده‌های خشمگین به قصد خلع سلاح نکبان پایگاه اورامان حمله فرار میدهند، اما سرهنگ مزدور به هر دو پایگاه آماده باش میدهد، و مزدوران از ترس انتقام توده‌ها، با سلاح کردن اسلحه‌های خود، به تهدید و ارباب‌آهالی میپردازند. در این میان آخوند مزدور از ترس جان خود، با پوشیدن لباس نظامی، خود را در گوشه‌ای از پایگاه مخفی کرده بود.

زحمتکشان روستائی، سرینا زخمی‌ها را به شهر سقز و دیگر شهرها منتقل میکنند و مزدوران از ترس جمع توده‌ها و حرکت اعتراضی آنها بیمارستان سقز را به محاصره نظامی در می‌آورند. اهالی منطقه، با رفتن به روستای "سفت تاله" و ابراز همدردی با بستگان شهدا هبستگی خود را با مردم "سفت تاله"



### آخبار جنبش نوده‌ای

نده و چند تن از اهالی روستا را دستگیر کرده و ضمن انتقال آنان به خارج از روستا به ضرب و شتم آنان می‌پردازند. آنان سپس خود را پیشترکم معرفی نموده و از مردم پول طلب میکنند. اما اهالی روستا که بخوبی به ماهیت پلید این مزدوران پی برده‌اند، در مسجد روستا جمع شده و اعلام میدارند چنانچه افراد دستگیر شده آزاد نشوند، به سمت شهر مروان راهپیمایی خواهند کرد. اعتراض به اهل اهالی، موجب آزاد شدن دستگیر شدگان میگردد.

اعتراضات اهالی روستاهای حومه شهر مروان، تلاشهای مزدوران سرکوبگر رژیم را برای سر بازگیری ناکام گذاشت. جندی پیش مزدوران رژیم، بسط و سر بازگیری اجباری به روستاهای اطراف شهر مروان هجوم می‌برند و با حساب و هیکاری مرتجعین محلی و جاوید و فتودالها مذبحخانه برای سر بازگیری تلاش میکنند. مزدوران ضمن سرکوب اهالی روستاهای "چاوگ"، "زنده"، "تندسی"، "هله" و "تند آباد" بازور و تهدید، عدالت را دستگیر میکنند. اهالی روستا نسبت به این عمل وحشیانه شدیداً دست به اعتراض می‌زنند. سرکوبگران برای متفرق نمودن آنها، اقدام به تیراندازی هواشی میکنند. اما صدها با ادامه اعتراضات خود، مزدوران را به عقب نشینی و امیدارند و دستگیر شدگان را آزاد میکنند.

اواخر دیماه مزدوران سرکوبگر برای تحمیل طرح ننگیانی اجباری بر اهالی روستای "زاغه علیا" شب هنگام به این روستا یورش می‌برند، و با تهدید و ارباب اهالی، مذبحخانه تلاش میکنند تا آنان را وادار به ننگیانی اجباری نمایند. اما اهالی روستا با این سیاست مزدوران که مخالفت برخاسته بود، دست به اعتراض می‌زنند. مزدوران چند تن از جوانان را دستگیر نموده و می‌خواهند همراه خود ببرند که با اعتراض دسته جمعی روستائیان مواجه میشوند. اهالی خشمگین، با سنگ و چوب به طرف مزدوران حمله ور میشوند و دستگیر شدگان را از چنگ جانیان نجات میدهند.

همچنین در تاریخ ششم بهمن ماه، سرکوبگران مستقر در پایگاه "توسه سر" از توابع بخش "ساراب" اهالی این روستا را جمع کرده و از آنان میخواهند که بان مورد نیاز مزدوران مستقر در پایگاه را نامی کنند. مردم زحمتکش روستا نسبت به این خواست مفتخورهای سرکوبگر اعتراض نموده و نه تنها زبیر بار خواسته مرتجعین نمی‌روند بلکه فرمانه خواستار برچیده شدن پایگاه مزدوران از روستای خود میگرددند. سرکوبگران "بمظور ارساب" اهالی تعدادی از آنان را دستگیر نموده و با ضرب و شتم آنان را به پایگاه می‌برند. اما اهالی روستا نه تنها ترسی بخود راه نمی‌دهند بلکه بسر شدت اعتراضات خود افزوده، و خواهان آزادی دستگیر شده‌ها میشوند و تارهای آنان از چنگ مزدوران، بطور یکپارچه به اعتراضات خود ادامه میدهند.

نیستی و نابودی میکشاند. سرکوبگران با اقسام ترندها به بیج نیرو می‌پردازند و با زور و سرنیزه به سر بازگیری اجباری می‌پردازند و آنان را روانه جبهه‌های جنگ ارتجاعی میکنند تا "برکات جنگ" برای تاجار و سرمایه‌داران همچو انسان محفوظ و ادامه‌دار باشد. اما توده‌های زحمتکش که بیشترین مفاصل جنگ را تحمل میشوند، همواره صدای اعتراض خود را نسبت باین سیاستهای سرکوبگرانه بلند کرده و در برابر آن دست به اعتراض زده‌اند.

در همین رابطه روز سیزدهم بهمن ماه شهر سقز شاهد اعتراضات اهالی زحمتکش این شهر بود. مزدوران رژیم، حمله سیزده تن از فرزندان زحمتکش این شهر را که در جبهه‌های جنگ ارتجاعی جان خود را از دست داده بودند، به خانواده‌های آنان تحویل میدهند. بستگان این قربانیان، پس از تحویل گرفتن جنازه‌های قطعه قطعه شده فرزندان خود دست به اعتراض می‌زنند و در خیابانهای شهر اقدام به راهپیمایی میکنند. اهالی سقز، در حمایت از آنان و در محکوم نمودن سیاستهای ارتجاعی رژیم و کشتار جوانان آنان می‌پیوندند. تظاهر کنندگان که مردم بر تعدادشان افزوده میشوند، شعارهایی علیه رژیم و علیه جنگ ارتجاعی سر میدهند. سرکوبگران رژیم که از حرکت دسته جمعی توده‌ها به هراس افتاده‌اند، برای جلوگیری از گسترش آن اقدام به تیراندازی‌های بی در پسی هواشی میکنند و تظاهر کنندگان را براهکنده می‌نمایند.

### ربط

هفتم بهمن ماه، تعداد ۹ فرزند هواییای جنگنده بمبارکن عراقی بر فراز شهر ربط به پیرواز در آمده و بمبهای مخرب خود را بر مردم بی‌دفاع ریختند. که شب آن چهارده نفر از اهالی سقز این شهر در خون غلطیدند و تعدادی دیگر نیز به سختی مجروح گشتند. همچنین در اثر این بمبارانها، دبستان شهسوار ربط و مدرسه راهنمایی و... به شدت آسیب دید و خسارات مالی فراوانی به اهالی وارد آمد. دانش آموزان، اکثر قربانیان این حمله هوایی میباشند.

### چند خبر از:

### جنگ ارتجاعی ایران و عراق

### بمباران

در ادامه جنگ ارتجاعی دولت‌های ایران و عراق، بار دیگر مردم زحمتکش کردستان قربانیان تازه‌ای دادند. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی هر روز تعداد بیشتری از جوانان را قربانی سیاستهای پان اسلامی و مطامع جنگ طلبانه خود میکند و آنان را به کام

### سندج

مزدوران رژیم در این اواخر بسط و توسعه و وسایل تدارکاتی خود، به روستاهای منطقه "سارال" هجوم برده‌اند. و تحت عنوان گشت به جبهه‌های جنگ و آوارگان جنگی مذبحخانه تلاش میکنند تا تیراهای خود را از اندوخته روستائیان تامین نمایند. مزدوران، در کمال وقاحت اعلام نموده‌اند که احتیاجات سند و جای و شکر آنها باید از طرف روستائیان تامین شود.

اطلاعیه

تشکل‌های هوادار سچنفا در خارج از کشور

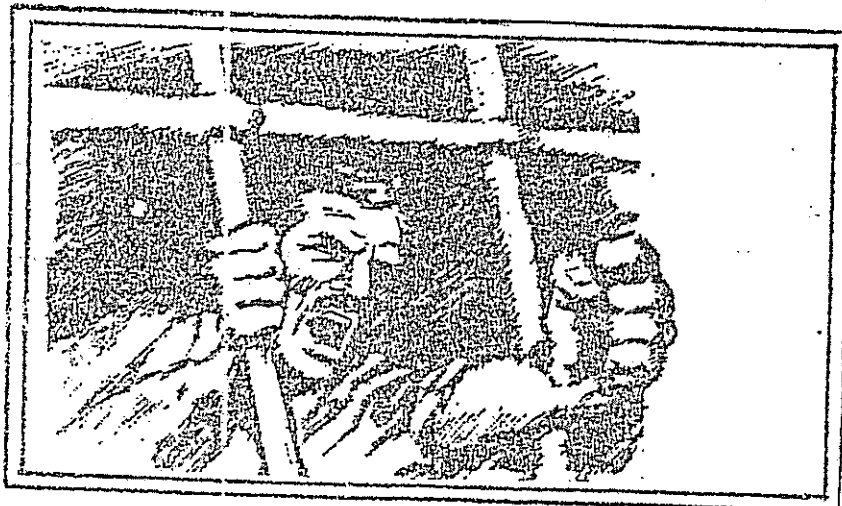
درباره حمله مسلحانه به مرکز فرستنده رادیوای سازمان

ما هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در خارج از کشور توطئه اخیر عناصر خیانتکاری چون مصطفی مدنی، فرید وحامد شبانی و حمله به مرکز رادیوی "فدائی" را شدیداً محکوم کرده و از اتحادیه میهنی کردستان خواستار استرداد نوری این افراد جنایتکار بدسازمان چریکهای فدائی خلق ایران هستیم. ما با قاطعیت اعلام میکنیم که در بنبروزی قاطع از مواضع سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در افشای کلیه فریبستها و سازتکاران، ایستادن دشمنان طبقه کارگر از هیچ کوشی دریغ نخواهیم ورزید.

این اطلاعیه تاکنون به وسیله ی تشکلهای هوادار زیر امضاء شده است:

- سازمان دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلن غربی هواداران سچنفا
- سازمان دانشجویان ایرانی وین - اتیش هوادار سچنفا
- سازمان دانشجویان ایرانی در انگلستان، اسکاتلند و ولز هوادار سچنفا
- دانشجویان ایرانی در بلژیک هوادار سچنفا
- انجمن دانشجویان ایرانی هوادار سچنفا در هند
- انجمن دانشجویان ایرانی - سوئد - هواداران سچنفا
- هواداران سچنفا در دانمارک
- سازمان دانشجویان ایرانی در فرانسه هواداران سچنفا
- انجمن دانشجویان هوادار (سازمان چریکهای فدائی خلق ایران) در ترکیه
- تشکل هواداران "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" - هلند
- سازمان دانشجویان ایرانی در ایتالیا هوادار سچنفا
- انجمن دانشجویان ایرانی در کانادا هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
- تشکل هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در استرالیا
- انجمن دانشجویان ایرانی هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (پاکستان)

۶ فوریه ۱۹۸۶



چند خبر از :  
جنگ ارتجاعی ایران و عراق

بانه

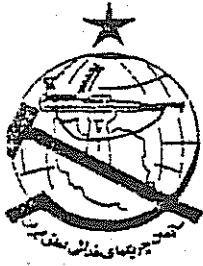
در تاریخ ششم بهمن ماه، حدود ساعت سه و نیم بعد از ظهر، بار دیگر هواپیماهای جنگنده عراقی شهر بانه را بمباران کردند. در اثر این حمله هوایی سزارات و تلفات زیادی به اهالی این منطقه وارد آمد.

دو خبر از شهر سقز

بعدهای از دستفروشان که بیساط دستفروشی و دکه‌های آنان توسط مزدوران رژیم تخریب گشته بود، در تاریخ بیست و یکم دیماه با مراجعه دسته جمعی به شهرداری، ادعای خسارت میکنند و خواستار رسیدگی به وضع خود میشوند. شهردار مزدور بمنظور پراکنده نمودن آثار اعلام میدارد که "میتوانید در زمینها جنب "حمازل آباد" دکه دایر کنید.

زحمتکشان که از فرط بیکاری و برای پیدا کردن لقمه نان بخور و نمیری برای خود و زن و بچه‌شان ناچار به دستفروشی شده‌اند، ضمن تلاش فراوان اقدام به ساختن دکه در منطقه فوق الذکر میکنند اما مزدوران سرکوبگر شبانه به این دکه‌ها حمله کرده و با بولدوزر تمامی آنها را شکسته و وسائل آنها را خورده میکنند.

همچنین در تاریخ بیست و هفتم دیماه بعدهای از عوامل مزدور رژیم، حوالی ساعت ده شب بازار قزاق خانه را به آتش میکشند. در اثر این عمل جنایتکارانه، نزدیک به چهل سدد از دکه‌های زحمتکشان بطور کلی در آتش میسوزد و به خاکستر تبدیل میشود. دکه‌داران که متوجه آتش سوزی شده بودند در صدد خاموش کردن آتش برآمدند اما مزدوران از ترس شکل گیری اعتراض دسته جمعی اقدام به شهرازدایی نموده نا انهارا پراکنده نمایند.



اطلاعیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - کمیته خارج از کشور

در باره حمله سنیانه به مرکز فرستنده رادیویی سازمان

هم میبایست مبارز!  
شورهای انقلابی و مرفعی!  
هواداران سازمان!

مذنبال آموزش وحشانه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی به مخفی از کمیته کارگری  
شهران و دریبی ثلاثیهای سمنر نیروهای وابسته به سوزواری و عوامل اسیریا لیسیم در جهت  
تخفیف نمودن سازمان چریکهای فدائی خلق ایران احیاء شدن از عوامل نظیدی مدعیان  
بروغبین منافع منطقه را گرد در مقبول سازمان سنیانه ای مدنی، محمود اخوان  
بی طرف (حما دشمنی) و نیز بدست به اعمال حیانت آمیز و حیانتکارانه ای زده اند. این  
عده با سوء استفاده از شرایط و سیاست دیکراتیک در تشکیلات کردستان سازمان و سایر  
زادین چند تن از پیشروگان جنین پنداشته اند که گویا می توانستند فرستنده رادیویی سازمان  
را به تصرف خود در آورند و وقتاً مدتی خود را که در آنهاست چیزی جز خدمت به رژیم جنسی سوزی  
اسلامی، سرمایه داران و مرتجعین سنی باشد مطلقاً سازمان را به عهده برای ورود به مقررات  
سازمان به عنوان خبرنگار متوسل می شوند و در داخل ورود به محوطه رادیو، هنگامی که سا  
این سؤال رفقای انتظامات مستقر در مقر ما چه می شود که "گوشه کار" را در پیچ چرا  
حسکی مسلح می خواهد به لایروبی "چگونه می توانی نهادن در نقاشی را شوی بسط به  
مذاکره می کنند که مورد قبول آنان واقع می شود در این هنگام روشن از رفتار ما کار و  
اسکندر از محل استقرار خود بیابان می رود و با آنها مذاکره کنند. رفیق کار و کما بقسه  
دوستی و رفتار تش با یکی از این مزدوران سنیام قادر به پیش از همه بوده است. نزد وی می رود  
و به قاتلانشا می کند تا هم محبت کنند. رفیق در حالیکه نمی گفت من قاتل در پیشرو می  
شیرانیم با هم محبت کنیم و صحبتها بشیر ما از جانب قاتل در شایسته شده است. خود را به  
قاتل در دست می کند. قاتل در نیز در حالیکه خود را مشتاقی مذاکره نشان می دهد و اعتراف در نسیب  
کار و اجالت می کند. علاقه مند به طور ناخواسته از راه رفیق کار و راه رفیق می بیند. یکی  
دیگر از مزدوران حیزمان رفیق اسکندر را به رگبار می بندد و رفقا در حالیکه می بیند پس از  
آن سله "بنا به مقررات شروع می شود که ما دفاع نیر ما نا نه رفتاری مستقر در محل روسور  
می شود و رفیق حسن شیر در گری می بیند می شود به معنی در گری سید (حما دشمنی) که در  
بشت مرصه از قاتل در را داشته است. طبق سنت همه ترسوها و عادت شبکی اش با به فرار می  
گذارد از منطقه در گری دور می شود. در ادامه در گری عتا مرترب خورده نا بر جای گذاشتن  
دو کشته و سه مجروح تسلیم می شوند و رفقا کار و اسکندر و حسن در دفاع از مانگ رای کارگران  
و نیز با دیر خوش زحمتگان جان خود را فدا می کنند. مقررات دیوما زمان همچنان در اختیار  
رفقای سازمان قرار دارد. مدنی و سعید (حما دشمنی) به اجاب دهنه می بیند کردستان  
بنا نه شده اند. افراد داخل سلاح شده به همراه سلاحها بشان در اختیار و اتحادیه می بیند  
کردستان قرار می گیرند (چون انتظامات از منطقه سیده آنها می باشد). اما از اتحادیه سید  
می بیند کردستان را ساقطاً بنا کرده ایم که مدنی و سعید (حما دشمنی) از تحسوس سید  
سازمان سیدند که شا گسبون حواسی ندادند. در اینجا ضروری می دانیم  
عملگره ضد تشکیلاتی این افراد را که جدا ز پیش و نحوه بگوش آنان نسبت به مسائل احتمالی  
را انقلاب نمی باشد. ما آنجا که به رعایت اصول و پرنسیپهای تشکیلاتی لطمه ای وارد نماند،  
به اطلاع عموم برسانیم.

این عتا مرتبه مدتها بود نظرات عموم خلقی خود را در تشکیلات بشان می دادند و نظور  
مرتبه با عهده کردن مسائل تشکیلاتی سنی در اینجا وجود سنی می نمودند. با راه از جانب  
مسئولین آنها از آن خواسته عتا نظراتشان را تدوین شما سنیانه تشکیلات را شده هم  
اما در ما از این کار سزاوارند. سزاواریم. ما سال گذشته از جانب رفقای مرکزیت  
سربها به مدنی اعظم شده اند که مسائل تشکیلاتی و پیش سرن خط منی سازمان  
جدا از بد نظری وی نمی توانا کرده اند. سسرای سدی در تکلیف تشقراتش را بطور مرتب  
شدوبین شما به مدنی و فرید سزاواریم. مجبور شد جدول اسنا به پیششایدی رفقای مرکزیت  
نظرات خود را به تشکیلات ارائه دهند. سازمان نیز با تفکوه سنیانه نظرات عموم خلقی آستان  
به انشاء نظری آنها در تشکیلات پرداخت و ما حیت اپورتیونیستی و دیکر ما حاکم سرت آنها جز  
سازمان سر ملاتذ بین از انشای سسی - اپد نظریک و طردنشری آنها روز به روز به عملکرد  
مد تشکیلاتی خود انزودند و هر بار رفقا آنها را تشکیلاتی گسترده سازمان (که تاریخ آن را هم  
به آن اطلاع کرده بودیم) دعوت به رعایت اصول و روابط تشکیلاتی نمودند ولی آنها  
با رای مقاومت نهادند و حاکمیت سنیانه به عموم خلقی آنها فاش و سر ملاتذ بود. حاصل  
این تلاش رفقای سازمان و ویگیری آنها در جهت انشای نظری این خاشین چند جسی سزوه  
مبارزه اپد نظریک درونی است که متوقع در اختیار و کلیه عفا و سایر رفقای و اجدا سرب  
(از لحاظ رده تشکیلاتی) قرار گرفت.

مدنی و فرید که بدلیل داشتن سوانق فعلی با اکثریت خاشین مذنبال از  
مخرف سازمان طرد شده بودند سدا از اعلام در ما نهی از ادا به فعلی با "جسجسب  
اکثریت" را اضا و نهادن از گذشته خود در فواصل سالهای ۶۱ تا ۶۳ جدا به عنبریت سازمان  
بذیرفته شدند. این دونفری بگال گذشته بخا طر و حبه ضد تشکیلاتی، بنام بلات رهبری طبی  
اجا در اکسبون در درون تشکیلات و بنا به بر اکتی علیه سنیانه دیگر تشکیلات سازمان چند

مرتبه مورد انزاد و فرار گرفتند. آخرین باری که مدنی مدتی در شیرما سال ۶۴ مسور  
مواخذه قرار گرفت، تا که بر برده از سنی ارتباطات تا سالم خود و اطلاعات غلطی که از  
طریق یکی از جریبات رفرمیست به آنها داده می شد. سرداشت و مجبور شد فرید را مستوران  
رابط با این جریان معرفی کند. ما تحقیقاتی که از فرید به عمل آمد معلوم شد فرید با  
یکی از جریانات رفرمیست این الوقت که دشمنی آشکاری با سازمان دارد دورا سله می  
باشد (از آنجا که تحقیق بهرامون اربط این افراد با آن جریان رفرمیست ادا شده است،  
تا اعلام خطی نظور رفقای مرکزیت در این باره از ما بریدن آنها خود اری می باشد ششم).  
در همین رابطه فرید اعتراف کرد که رابطه آنها با یکی از اعضای مرکزیت این جریان می  
باشد که وی از فرانس به کردستان آمده بوده است. ما علت این ارتباط فقط روابط  
موسی!! و هم زندان بودن در دوره شاه می باشد. ما این همه از اینکه این اربط را به  
مسئول خود نگذارش نکرده و اطلاعات را به مدنی داده بود. از خود انتقاد و اظهار توبه  
کرد. اما کسبت که ندا ندماثل ما در مبارزه طبقاتی که اکنون در ایران جریان دارد. افراد  
و جریانهای مختلف را آنچنان و ادا ربه سوزگیری نموده است که حتی در یک خانوادهدور  
مادر و خواهر برادر در یک کلام عزیزترین افراد یک خانواده بخا طرد قاع از عتاد سبها می  
شان به فخر هم متوسل می شوند. آنوقت رابطه فرید و مدنی با مرکزیت فلان جریان  
رفرمیست انهم در این شرایط فقط دوستی بوده است و نه چیر دیگر!! پس از تذکرات لازم  
بنا شد است از اینگونه اعمال ضد تشکیلاتی بر دارنده ما مجدداً هنگامیکه در شیرما سال ۶۴  
مسئول (سابق) به سال پیش) کمیته کارگری آذربایجان تشکیلات را به مسل خود را کرده بود  
و دسوال قبل در یکی از کشورهای اروپایی بنا نه شده بود. اضا رشتا مورد انزاد و فرار  
گردید و ما بخا بدلیل فقدان روحیه سزا رفتاری از تشکیلات اخراج شد. مدنی به همراه سعید  
(حما دشمنی) که در تشنگام آخرین سولیش عتوز بر حبه تحریک برده بود (مستول  
خودشان "وی از نقطه سبیز قرار دادند" و دفاع از آنرا از تشکیلات شکر بردا خندند. در  
همین رابطه مدنی در تاریخ ۴۴/۶/۳۰ سوسخ شراوان از تاریخ سبیزمان  
سازمان هیچگونه مسئولیتی در تشکیلات سازمان نداشتند. پس از آن نیز در تاریخ ۴۴/۱۰/۲۲  
سبیز وی اضا رشتا که دست از رفتن رواج عمل غیر تشکیلاتی بردا رده (حکم سمنه است) فرید  
یکی دیگر از عتا مرتست اندر کار و حمله به مقرات دیوما زمان همچنان در اختیار  
سازمان به پذیرفته شد. وی برخلاف ادعا بشیر که مراد داشت از سلفیات و مناسبات نسبی سیده  
است. در عمل نشان داد که هیچگونه تنبیری نکرده است و بطور بیگانه ای نظراتش را  
بشان می کرده است. طی مکالمات گذشته با راه سنی در اینجا مدنا سات غیر تشکیلاتی خود  
دو پس از سر ملاتذ رابطه اش با آن جریان رفرمیست و تذکرات لازم مجدداً به اعمال ضد  
تشکیلاتی و توهم بر اکتی بشیرا مودن خود در دوره ادا به همین اعمال ضدک و مناسبات  
مدنی و تشکیلاتی ما مجموعاً ۶۶/۵/۲۴ عتاد کردستان سازمان به حزب دمکرات را بجسی  
مسئول شا عتا نام "تربید" معاف کرده مجدداً مورد انزاد و فرار گرفت و بهون اضا ر  
دا ده شد. در مدنی که وی در شا کردستان بود به همراه دوست دیرینه اش مدنی با راه سبه  
بر خورده اند. سبیز سبجاشی نسبت به تشکیلات دست زده. همین امر موجب شد تا در یکسال  
گذشته تعداد زیادی از پیشروگان سازمان غیر فعال شوند و با راهای موارد با نوشین  
نا به نسبت به خور فرید و مدنی و حما دشمنی در مقبول رفقای سازمان منطقه و ترک نمایندند  
و از تشکیلات کردستان به مناسط دیگر بروند.

سعید (حما دشمنی) نام سنگی که این عتفا ش فکر می کرد در اذهان سواداران  
سازمان مسجودا بودی کند و سزاواریم. ما نهرا نقلی بر و نه به راه تشکیلاتی سته خزا شده،  
بدری که هرگز نتوانست فهمد که فعل سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بسند از  
انشاع بخاشنا تا اکثریت دیگر هوارا نشان ذنبال و "متر و بخت" و "خصیست" را منشی افندند  
اگر بنا بود چنین شود، بر همان خاشین اکثریت هم از وی "معروف" تر بودند و هم از موقعیت  
بالائی در تشکیلات برخوردار بودند. در هفا انقلاب ضروریست رفقای که نام قداشی از  
شهرت و انشای روزی در خورده بودند. در دفاع از نظراتشان مبارزه کردند و دلبرانه به  
نظرشان جان باختند. اما هوارا ان سازمان با آنها کاری نه داشتند. سسری که  
تفهمید دوران توهم بر اکتی و شخصیت پرستی بر سدا است و هوارا داران سازمان اکسبون  
آکا خترین و نالترین نیروی محنه مبارزه خا طبقاتی می باشد. ما انتخا فسط و منسی  
انقلابی سازمان برای آسنا به بر سنیای بر ستن نسبت و دننا که وی کور کورانه سلیکه ما  
شناخت علمی از روند مبارزه طبقاتی و عملکرد سازمان در تمام طول تاریخ حیات بر افتخاری  
مورت گرفته است. سوا سق رفتا رشتا تشکیلاتی این فرد در دوره اخیر به سال ۶۰ برسی کرده  
وی که برای انجام کاری در سال ۶۰ به خارج فرستاده نه شده بود. بسلت داخلشای بیجا در  
تشکیلات خارج از کشور سازمان در سال ۶۱ اضا رشتا سدا زبر خود کترم باری و سسول  
اشها فاش سنا شد تحت مسئولیت یکی از رفقای مرکزیت سازمان در رابطه با ارتباطات  
بین اسطلی مجدداً سوا راج از کشور اعزام شود. اما سوزیکما سگند نه بود. رفیق مسئول



# باید لنین

محوری ترین اصل سازماندهی یعنی  
سانترالیزم دمکراتیک از مهمترین  
ایده‌هایی است که در این مقطع، جنبش  
کمونیستی روسیه را، چندین گام بلند به  
جلو سوق داد. اهمیت نقش طبقه کارگر  
در انقلاب و خصوصاً استقلال طبقاتی او را  
نروچ نمود و بر لزوم ایجاد سازمان  
انقلابیون حرفه‌ای، و رعایت حداکثر  
اصول پیمانکاری تاکید ورزید.  
اکنونیستها، اپورتونیستها، محفل -  
گرایان و کلیه عوامل بورژوازی در درون  
جنبش طبقه کارگر، با نظریات لنین  
مخالفت میکردند. آنان بسکلی منکر  
و مخالف نقش سیاسی مستقل طبقه کارگر  
در انقلاب بودند و بر آن بودند که طبقه  
کارگر روسیه را در جارجوب تشکیلهای  
مجاز بورژوازی محدود و محصور سازند.  
اما لنین بطور پیگیرانه به افشای  
نظریات آنان پرداخت و وظایف آنسی  
موسال دمترانها را ترسیم کرد و سپس  
با یک جمع بندی بسیار دقیق از مبارزات  
درون حزبی و نوشتن کتاب "یک گام به  
پیش، دو گام به پس" اپورتونیسم  
در عرصه مسائل تشکیلاتی را با وضوح  
تمام و توانائی تحسین برانگیزی افشا  
نمود و با قاطعیت پرولتری با آن به  
مبارزه پرداخت.

"بزرگترین خدمت لنین در قبسال  
پرولناریای روس و حزب وی عبارت از  
این است که تمام خط و نقشه "تشکیلاتی  
منشویکی را از همان لحظه‌ای که این نقشه"  
هوز در حال تکوین بود، و خود ماحیان  
این "نقشه" هم بزحمت می توانستند  
خطوط متخذه آنرا در نظر مجسم سازند  
آشکار کرد و پس از آشکار کردن آن، به  
حمله بی امان علیه بی بندوبستاری  
تشکیلاتی منشویکیها آغاز کرد." (استالین)  
لنین ضمن پیشبرد مبارزه آشتی ناپذیر  
با دیدگاه لیبرالی از سازماندهی و  
تشکیلات خاطر نشان ساخت که پرولناریا  
در مبارزه اش برای کسب قدرت سیاسی هیچ  
سلاحی جز سازمان ندارد و برای ایجاد

چنین سازمانی با استخوان بندی مستحکم  
و استوار حداکثر تلاش خود را بکار برد و تا  
حد ممکن عناصر غیر پرولناریائی را از  
مقوف سوسال دمکراتیها بیرون راند و به  
پالایش مقوف حزب پرداخت و در این زمینه  
کمترین تردیدی بخود راه نداد. "چه بسا  
برخی رفقای ما (نه فقط منشویکیها) لنین  
را منجم میکردند به اینکه به جر و بحث  
و انشعاب و بیارزه آشتی ناپذیر بسا  
بسالحه جویان و غیره، تمایلی بییش  
از حد دارد، شکی نیست که هم این و هم  
آن بموقع خود وجود داشته است، ولی  
نهم این موضوع مشکل نیست که اگر حزب  
ما عناصر غیر پرولناریائی و  
اپورتونیست را از مقوف خود نمیراند،  
نمی توانست از قید ضعف داخلی و ایهام  
خلاصی یابد و نمیتوانست به آن نرسد و  
استحکامی که ذاتی اوست دسترس یابد."  
(استالین)

در جریان انقلاب ۱۹۰۵ روسیه، کسه  
منشویکیها و دیگر مدعیان دروغین  
طرفدار طبقه کارگر که بر مارکسیسم  
داده بودند، با ارزیابی مرحله  
بورژوازی از انقلاب، رهبری انقلاب را  
دو دستی تقدیم بورژوازی میکردند و  
برای طبقه کارگر هیچگونه رسالتی جز  
اینکه در موضع اپورتونیسم چپ باقی  
ماند، قائل نبودند و رساله روی از  
بورژوازی را تبلیغ میکردند. اما لنین  
با درک عمیق و کاربست طلاقنامه  
مارکسیسم، بار دیگر براهمیت نفسی  
طبقه کارگر و رسالت تاریخی این طبقه  
تاکید نمود. او با طرح دیکتاتور  
انقلابی دمکراتیک کارگران و دهقانان  
نظرات بورژوا - فرمیستی را که عملاً  
طبقه کارگر را به پدیرش و تمکین رهبری  
بورژوازی و دیکتاتوری این طبقه نرا  
میحواندند، بیرحمانه افشا نمود. او  
همچنین با مطرح نمودن آلترناتیو  
جمهوری دمکراتیک و حکومت موقت  
انقلابی، که از طریق قیام مسلحانه  
سی بایستی آن دست یافت، تمامی  
فرمیستها را که به پارلمان تزار دل  
سته بودند، ایزوله کرد و بوجوبی  
نظراتشان را به اشبات رساند و بار دیگر  
انقلاب را به جلو سوق داد.

در سالهای حکومت استولین، زمانی  
که فدائیان انقلاب ضربات شکننده‌ای را بر

حزب وارد ساخته بود و بسیاری از افراد  
ایمان خود را نسبت به حزب از دست داده  
بودند، در شرایطی که نه تنها سفاکان  
بلکه تا حدودی کارگران نیز از حزب  
و کار حزبی رویگردان شده بودند، نهایت  
صرفاً علنی حزب، نه فقط ارجانسیب  
منشویکیها، بلکه توسط بعضی از بلشویکیها  
نیز بمیان کشیده شد و تفکرات  
فرمیستی مبتنی بر عدم ضرورت  
پیمانکاری و شرکت کارگران در حزب  
علنی استولینی قوت گرفت. در آن  
هنگام لنین تنها کسی بود که در مقابل  
این بیماری همه گیر مقاومت کرد، و در  
حالی که قوای پراکنده و درهم شکسته  
حزب را با صبر و تحمل تکفالتگیز  
و پافشاری بی سابقه‌ای جمع میکرد، علیه  
همد و هرگونه جریان فذ حزبی در داخل  
جشش کارگری مبارزه نمود و از حزبیت  
دفاع کرد. او با تاکید بر امر پیمانکاری  
در سخت ترین شرایط اختناق پلیسی،  
ضربات وارده به حزب را ترسیم و ادامه  
کاری آنرا تا مین کرد و بیک لحظه از افشا  
عناصر متزلزل و خائنین به طبقه کارگر  
باز نایستاد.

نظرات داهیانه لنین، که همچون  
ستاره درخشانی بر تارک حزب بلشویک  
میدرخشید، همواره راههای پرپیچ و خم  
مبارزه درون حزبی و مبارزه علیه رژیم  
سرمایه داری را، روشنی می بخشید، تا  
سرانجام حزب بلشویک تحت رهبری  
داهیانه لنین با سازماندهی توده‌ها  
توانست تزار و بورژوازی روسیه را  
سرنگون کند، و خود قدرت سیاسی را  
بدست آورد.

بورژوازی جهانی، عمیقترین کینه‌ها  
را از لنین و آموزهای او در دل داشت  
و مذبحخانه در پی آن بود تا او را از  
سر راه خود بکنار زند. روز ۳۰ اوت  
۱۹۱۸ یکی از عمال بورژوازی (یسکزن  
بنام کاپلان) به جان لنین  
سوفتد کرد و گلوله‌های آغشته به سم  
طیانچه را بر روی او خالی کرد. لنین  
به سختی مجروح شد، اما بعضی آنکه کسی  
بهبود یافت، بی وقفه به کار انقلابی  
ادامه داد. در سال ۱۹۱۹ به استکار لنین  
بخشین کنگره انترناسیونال کمونیستی  
(کمینترن) در مکو گشایش یافت. طی  
این کنگره لنین گامهای سرگی در جهت

## بایاد لنین

وحدت عمیق پرولتاریای جهانی برداشت .  
برچم سرخ کمونیسم راسرا فراشت و قسوی  
پرولتاریای انقلابی رامیر گرد آن فرا  
خواند . او برضد انترناسیونال دوم پسا  
انترناسیونال زرد که به تبلیغ برای  
متحد ساختن سوسیال خائنین - کمانیکه  
علیه پرولتاریا ، به سورژواری پیوسته  
بودند - می پرداخت ، اعلام جنگ داد ،  
و رهبران اپورتونیست آنرا که آموزشهای  
مارکس را تحریف کرده بودند بمناسبت اعمال  
سورژواری جهانی افساء نمود .

جراحت حاصله از گلوله‌ای که در سینه  
لنین مانده بود ، توام با کار مداوم  
و شبانه‌روزی ، رشته‌های سلامتی و تندرستی  
لنین را از هم می‌گست . در تابستان  
۱۹۲۱ لنین را بدستور پزشکان برای  
استراحت به کورکی منتقل کردند . کارگر  
از اطراف کشور برای رهبر عزیز و محبوب  
خود نامه می نوشتند و بهبودی او را آرزو  
میکردند . در قطعنامه کارگران یکساز  
کارخانه‌ها گفته میشد :

"به ولادیمیر ایلیچ سه ماه مرخصی  
داده شود و او موظف گردد بیدردننگ  
دستورات پزشکان را اجرا کند تا تندرستی  
و نیروی او به سود زحمتکشان احیاء گردد .

کنگره دوازدهم حزب در ماه مه ۱۹۲۲  
کنایش یافت . لنین بعزت بیماری  
نتوانست در آن شرکت کند . او در آخرین  
نامه خود به کنگره تاکید کرد که حفظ  
وحدت حزب ضرورت تام دارد ، و شرط اساسی  
تامین وحدت در حزب ، پیوستگی  
و استواری کمیته مرکزی است .

سرانجام لنین در روز ۲۱ ژوئیه سال  
۱۹۲۴ ساعت شش و پنجاه دقیقه عصر ، با  
یک خون ریزی مغزی در گذشت .

خبر اندوهبار مرگ لنین سراسر کشور  
شوراها را در ماتم فروبرد و پرولتاریای  
جهانی را اندوهگین نمود . تابوت جسد  
لنین از کورکی به مسکو منتقل شد و چهار  
شنبه روز در تالار کاخ شوراها و در میان  
گلهای سرخ و آتشین قرار داده شد  
کارگران و زحمتکشان که از اطراف  
واکناف کشور به مسکو رفتند ، در  
اندوه زاید الوصفی بارهبر خود وداع  
کردند . بیست و هفتم ژوئیه مراسم  
تدفین و تشییع جنازه آغاز شد ،  
پرولتاریای بین‌المللی مدت پنج دقیقه  
در سراسر جهان دست از کار کشید . چریکهای  
فابریکا ، از حرکت بازماندند ، قطرها  
و اتومبیل‌ها ، متوقف شدند و زحمتکشان  
جهان در سکوت مطلق و در سوگ رهبر  
و آموزگار خود با احترام ایستادند .

مرگ لنین ، ضایعه اسفبار و بسیار  
سزگی برای طبقه کارگر و کلیه زحمتکشان

شوری و پرولتاریای جهانی بود . نسب  
سرخ و بزرگ لنین از طپش بازماند ، اما  
آموزشهای کرانقدر او از یاد نرفتند و  
نامش در قلوب شما می زحمتکشان جاودانه  
گشت ، نوشته‌های متعدد و بی نظیری که  
لنین برجای گذاشت ، گویای ایستادی  
و مهارت لنین در امر انقلاب است ، رفیق  
لنین ، تا کرد و وفادار مارکس ، به نحز  
حلقه‌های مارکسیسم را تا کامل بخشید  
و آنرا غنی تر ساخت . او برای نخستین  
بار پیروزی انقلاب سوسیالیستی در یک  
کشور را مطرح نمود و آنرا با شکست  
رساند . لنین بر دیکتا شوری پرولتاریا پیش  
از پیش تا کید و ورزید و امره مونی پرولتاریا  
را نه فقط در سرنگونی رژیم سرمایه‌داری  
بلکه در امر باختمان سوسیالیسم نیز  
خاطر نشان ساخت . لنینیم که همسان  
ادامد تکامل یافته مارکسیسم است ، در  
واقع به مارکسیسم عصر امپریالیسم  
بدل گردید و بمناسبت بگانه تشبیری  
علمی ، در کوره آزمایشهای گران تاریخی  
صحت خود را با ثبات رساند .

در سمت و دومین سالگرد مرگ لنین  
با درس‌آموزی از آموزشهای گرامسکر او  
تلاش کنیم تا لنینیم را در تمام  
عرصه‌ها بکار بندیم ، و مبارزه بی‌امان  
خود را علیه رژیم سرمایه‌داری و  
اپورتونیسم مصلحانه ادامه دهیم .

نوطه‌ها نتواند تاثیر در روند رو به  
تسترش خط سرخ فدائی پدید آورد .

هرچه بورژوازی و عوام‌لش دشمنی  
و خصومت خود را علیه سازمان ما بیشتر  
شدت می بخشد ، ما به حقانیت راهمان  
و اهداف انقلابیمان بیشتر واقف  
میکردیم و اطمینان داریم که سرانجام  
پیروزی با طبقه کارگر ایران است .

مرگ امپریالیسم جهانی بر کردگی  
امپریالیسم آمریکا و یاپیکاه داخلی  
مرگ پیروژواری و عوامل رنگارنگش  
سرتگون یاد رژیم جمهوری اسلامی  
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق  
زندگی سوسیالیسم  
کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائوسی  
خلیق ایران  
هیجدهم بهمن ماه ۱۳۶۴

## پیام گیتیه مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بمناسبت . . .

بورژوازی و عوام‌لش که با رتد و گسترش  
جنبش و آگاهی طبقاتی کارگران و با هرچه  
نزدیکتر شدن سرنگونی رژیم جنجوری  
اسلامی ، موقعیت خود را در خطر می‌بینند ، چنین  
تصور میکنند که با ضربه وارد آوردن به  
سازمان توسط عوامل شناخته شده ای  
همچون مصطفی مدنی و حدادتیانی قادرند  
مانع اشاعه مواضع انقلابی سازمان گردند  
ما اهداف و برنامه‌های خود را همان  
آنقدر در میان کارگران آگاه و نیروهای  
انقلابی روخ یافته‌است که اینگونه

و امپریالیست قرار خواهند گرفت . در سوزی  
دیگر چپ انقلابی ایران و در اس‌ان  
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پسا  
برنامه‌های جهت تحولات انقلابی و مورد  
قبول توده‌های زحمتکش و کارگران آگاه ،

ما از هم اکنون تفکیک این مصلح‌اندیشان  
را تسریع می‌نمائیم و برای هیچکس راه  
میاسی باقی نمی‌گذاریم .

بی جهت نیست که تمامی سازمانها  
و جریانات بورژوائی و فرمبسیست و  
اپورتونیست ، علم مبارزه با سازمان ما  
را برافراشته‌اند و بی جهت نیست که توطئه  
مشترکی توسط دشمنان کارگران یعنی  
سورژواری و عوام‌لش را حمله مسلحانه به  
مقر رادیو ، این بانک رسای کارگران  
و فریاد پرخروش همه زحمتکشان ، طرح ریزی  
و با اجرا در می‌آید .

## رهبری طبقه کارگر

ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است



## اطلاعیه کمیته هماهنگی تشکیلات سازمان چریکهای فدائی خلق ایران درباره قطع برنامه صدای فدایی

کارگران و رزمندگان سراسر ایران!  
اعضا و هواداران سازمان!

در شرایطی که هرروزه کارگران و رزمندگان میهنمان با جنایات بیشماری رژیم جمهوری اسلامی روبرو می‌شوند و درست شبکامیکه بخشی از تشکیلات کارگری تهران صریحاً حورده است و تعدادی از اعضای کمین و هواداران سازمان به آنها م  
دفاع از منافع کارگران و رزمندگان ایران شهیدویا سنگبزننده، نعت شدیدترین شکنجه‌های قرون وسطائی فرار  
دارند، عمارا بیرون‌نویست و خاشنین به خلق موقتیت را مفتنم شمرده همراه و همگام با رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی  
به مرکز فرستنده را دیوشی سازمان حمله کردند.

این طرح خاشنا نه در روز جمعه چهارم بهمن ماه ۱۳۴۴ بمنظور تصرف فرستنده را دیوشی سازمان به اجرا درآمد.  
که با مقاومت دلیرانه فدائی مستنفر در مرکز فرستنده را دیو حمله مسلحانه آنها درهم شکسته شد، و هم اکنون فرستنده  
را دیوشی درست و فدائی سازمان می‌باشد. رفقا کاوه، اسکندر و حسن در جریان دفاع قهرمانانه از مرکز را دیوشی به  
دست خاشنین به طبقه کارگر بشهادت رسیدند. مزدوران مسلح با سرحای گذاردن ۲ گشته و چند مجروح طبع صلاح شدند  
و هم اکنون در اختیار اتحادیه میهنی کرستان می‌باشد.

مران این ناسد حنا بتکار که پس از افشا همه جانبه سیاسی - ایدئولوژیک در تشکیلات سازمان، فاقد هرگونه  
اعتبار سیاسی در سازمان شده بودند، توان و ظرفیت مقابله با ایدئولوژیک را از دست دادند، و در شرایطی که تشکیلات  
سازمان همچون سدی مستحکم در مقابل تمام احراقات کوناکون آنها ایستاد و از واگذاری هرگونه مسئولیت  
تشکیلاتی به آنها خودداری نمود و آنها خواسته‌ها سرکزاری کنگره دوم سازمان که حتی تا تاریخ آشنایان می‌باشند  
اصول و ضوابط تشکیلات را مراعات نماند، آن‌ها به اعمالی ضد تشکیلاتی و سازمان شکنانه خود ادامه دادند و طی چند  
ماه گذشته بهمانسان به ضرورت‌های تشکیلاتی اخراج شدند. طرف جنده ما گذشته این عمارا بر پرونده سربا تشکیلاتی در  
تشکیلات سازمان او خود سرجای گذارند.

تا آنجا که منحنی شده است توسط ما مددسی - نیسانی برای حمله به راه‌پوی سازمان ارجانبیس مانده‌های  
شورای ملی مقاومت رهبری معاهدین و بعضی از سازمان‌های محلی کردستان سیر حمایت می‌شدند. رهبران احزاب  
و سازمان‌هایی که تا به تحمل مبارزه سیاسی - ایدئولوژیک را با سازمان نداشتند و هم اکنون مرگ محتوم تشکیلات  
خود را انتظار می‌کنند، پس خاشنین به طبقه کارگر و سازمان رزمنده آن که در قمر توشنا - خود غوطه ور شده‌اند، ما داد کم  
چشمانشان به واقعه‌های رنده و روند عینی مبارزه طبقاتی سازمان شود، نمی‌توانند در باندک ما سیاسی که تمام دوران  
حیات بر افتخار شصت‌نبدینترین سرباط دیکنا نوری شاه و رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی به مبارزه خود ادامه داده  
است، این گونه توسط ما خلی در مبارزه سازمان ساخته‌اش سر علیه یوزواری و حامیان امیریا سمت آنها ایجاد  
نخواهد کرد. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در هر شرایطی همواره به مبارزه سیاسی - ایدئولوژیک خود چسب  
درون تشکیلات وجه در سطح جنبش کمونیستی بر علیه تمام احراقات بیگیرانه مبارزه کرده است، ما با افتخار مبارزه  
اصولی خود را تا طرد کامل کلیه سازمانها و گروه‌های کدر اخصانت و ارتداد در پیش گرفته‌اند و ادامه خواهد داد.  
کارگران و رزمندگان سراسر ایران!  
اعضا و هواداران سازمان!

مدا نید و آگاه باشید یوزواری در هر لحاظی که ما صدقا در نخواهد بود که شما را اصدای فدائی با تک‌رسانی  
کارگران و فریاد بره‌زوش رزمندگان مجروح ما به سیروی لایزال طبقه کارگر و رزمندگان ایران و همه عاشقان  
به سوسیالیسم منکی همنیم، اطمینان داریم با تکیه بر اس نیروی عظیم قادر خواهیم بود رژیم ضد خلقی جمهوری  
ایلامی را سرنگون و جمهوری دمکراتیک خلق را برقرار سازیم، در این راه با دساموسیرکهای دیگر یوزواری و  
عواملش روبرو خواهیم شد، آنچه مسلم است این توطنه اولسین آن نیست و آخرین آنها نخواهد بود، ما با ارادامستوار  
و عزم آهنین خود با سخ شایسته‌ای به تمامی مرتجعین و عوامل یوزواری خواهیم داد، مطمئن باشید یوزواری آن  
ما خواهد بود.

مرگ سربا امیریا لیم جهانی نیز کردگی امیریا لیم آمریکا و بیگانه‌ها خلیس  
سرنگون ما در رژیم جمهوری اسلامی - برقرار ما دجمهوری دمکراتیک خلق  
رسده ما دسوسیالیسم

کمیته هماهنگی تشکیلات سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - تهران

# اطلاعیه



تن مجروح شده‌اند. مزدوران دستگیر شده هم‌اکنون در اختیار اتحادیه میهنی کردستان هستند که سازمان خواستار تحویل آنها شده است.  
کارگران و زحمتکشان سراسر ایران ،  
اعضا و هواداران سازمان !  
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران طی سالهای

گذشته به خاطر دفاع از منافع طبقاتی کارگران و زحمتکشان و برای براندازی رژیم جمهوری اسلامی و نظام سرمایه‌داری در ایران بارها مورد سوزش سیمانه قرار گرفته است. به غیر از لطمات جبران ناپذیری که به اعضا و هواداران وارد آمده است، هر بار بخشی از امکانات مالی و تدارکاتی نیز از بین رفته است که هر بار سازمان با کمکهای بی‌دریغ شما مجدداً توانسته است با سرعت بخشهای ضربه‌خورده را بازسازی کند. هم‌اکنون برای ترمیم و بازسازی کمیته کاری و به منظور ایجاد گسترش ارتباطات و جبران امکانات ضربه‌خورده به کمکهای فوری شما نیاز داریم. به هر ترتیب ممکن کمکهای مالی خود را به ما برسانید. علاوه بر کانالهای تشکیلاتی موجود می‌توانید از طریق حساب بانکی سازمان در خارج از کشور نیز کمکهای خود را ارسال دارید.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی  
امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی  
سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی  
برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق  
مرگ بر خائنین به سازمان و طبقه  
کارگر ایران  
زنده باد سوسیالیسم  
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران -  
کمیته مالی و تدارکات

۱۰ بهمن ماه ۱۳۶۴

کارگران و زحمتکشان سراسر ایران ،  
اعضا و هواداران سازمان !

همانگونه که آگاهید سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان ایران تحت شدیدترین شرایط دیکتاتوری و خفقان همواره به مبارزات قهرمانانه خود ادامه داده است. در جریان گسترش سازماندهی کارگران و مبارزات انقلابی زحمتکشان و بیکار همه‌جانبه علیه رژیم فسخ خلقی جمهوری اسلامی ، در ماههای اخیر متحمل ضرباتی در بخش کارگری تهران شده‌ایم. اگرچه ری شهری وزیر مزدور رژیم و بلشسند گوهای آنان تلاش کردند طوری وانمود سازند که گویا ضربه میلیتی به سازمان وارد آمده است اما فعالیت مستمر و بیگیرانه رفقای ما در بخشهای مختلف گواه این واقعیت است که آنها ناتوان‌تر از آنند که بتوانند لحظه‌ای سازمان را از پیکار قهرمانانه خود علیه رژیم فسخ خلقی جمهوری اسلامی و حامیان امپریالیست و بازدارند.

در جریان یورش اخیر رژیم به کمیته کارگری تهران تنی چند از رفقای ما شهید و تعدادی دستگیر شده‌اند که هم‌اکنون زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌های قرون وسطایی بسر می‌نهند. علاوه بر این بخشی از امکانات مالی و تدارکاتی این کمیته از جمله وسایل تسلیحاتی ، الکترونیک و مرکز ارتباطات در اثر حمله مزدوران منهدم شده است. در این میان طبق اخبار رسیده از منطقه کردستان سه تن از عناصر خاشن به طبقه کارگر به نامهای محطی مدنی، فرید و سعید ( حماد شبانی) بعد از خلع مسئولیت و اخراج از تشکیلات سازمان در چارچوب سیاستهای مرتجعین منطقه در خدمت عوامل بورژوازی درآمد و بی‌شرمانه به مرکز رادیویی سازمان حمله کرده‌اند. در جریان دفاع از مرکز رادیو سه تن از رفقا به نامهای کاوه، اسکندر و حسن شهید و چند

گواهی باد خاطره رهبران خلق توکمن رفتای فدائی



توماج ، مخوم ، واحدی ، جرجانی

آ...

توماج ... مخوم ... واحدی ... جرجانی  
داس خونین دهقانان، فدائیان خلق  
تور خونین صیادان ، فدائیان خلق

یان رفیق

جهانگیر قلعه میاندوآب

گواهی باد





## اطلاعیه هواداران

### سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سیستان و بلوچستان (بامی استار)

### درباره حمله مسلحانه به

### مرکز فرستنده رادیویی سازمان

خونبار علیه دیکتاتوری شاه و رژیم جمهوری اسلامی تحت سخت‌ترین شرایط مبارزه همواره به مبارزه همه جانبه خود برضد این دشمنان بشریت ادامه داده است و در عین حال لحظه‌ای از افشای عناصر خائن به طبقه کارگر باز نمانده است. این اولین بار نیست که دسیسه‌های بورژوازی و عوامل مرتجع نفوذی در درون طبقه کارگر در ضدیت با سازمان دست به توطئه می‌زنند. اگرچه هر بار جزئیات و وسوایی چیزی برایشان به بار نیامده است. مطمئن باشید این بار نیز سازمان با قدرت و توانایی خویش همچون تمام دوران گذشته پرافتخارش در مقابل تمامی توطئه‌های رنگارنگ سرفراز بیرون می‌آید و هیچگونه توطئه‌ای قادر نخواهد بود مفوق مستحکم سازمان را خدشه‌دار سازد. یقین داریم سازمان هیچگونه قهر فداانقلابی را بی‌ساخت نخواهد گذاشت. بگذار حاکمان بورژوازی و طرفداران امپریالیسم و مرتجعین از بانک رسای کارگران و فریاد پرچم‌روشن زحمتکشان برخود ببلرزند. ما نیز با فخر و ترنسودن مفوق مشکل خود و با تحدید عهد نست به خط مشی انقلابی سازمان برای براندازی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق به یکبار دلسرانه خود ادامه می‌دهیم.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی  
امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی

سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی  
برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق  
مرگ بر خائنین و خودفروشان

در اهتزاز باد پرچم پرافتخار  
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران -  
سیستان و بلوچستان (بامی استار)

۱۳۶۴/۱۱/۷

زحمتکشان سیستانی!  
خلق رزمنده بلوچ!

همانطور که در اطلاعیه ۱۳۶۴/۱۱/۵ کمیته مرکزی سازمان از چگونگی حمله به مرکز فرستنده رادیویی سازمان آگاه شدید، اخیراً دو تن از عناصر خائن اکثریتی به نامهای مصطفی مدنی و فرید به همراه محمود آخوان بیطرف (حامد سیستانی) یار دیرینه شورای ملی مقاومت، با تشکیل یانک و فریب دادن چند تن افراد ناآگاه به اقدام خیانتکارانه‌ای مبادرت نموده و بشیرمانه به مرکز فرستنده رادیویی سازمان حمله کرد، که با مقاومت قهرمانانه رفقای مستقر در محل فرستنده روبرو شدند. سران این ساد تشبک‌گزارانه با به شهادت رساندن رفقا کاوه، اسکندر و حسن و نوحی گذاشتن چند کتله و زخمی سراجام به اتحادیه میهنی کردستان عراق بنا نهان شده شدند که سازمان مصراحت خواستار استرداد آنها شده است.

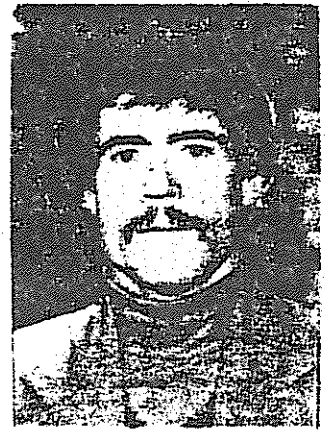
در شرایطی که رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی پرورشیای وحشیانه خود را علیه تشکیلات سازمان در سراسر ایران شدت بخشیده است، حمله به مرکز رادیویی سازمان و به شهادت رساندن رفقا به دست اس خائنین به طبقه کارگر توطئه ناخواسته‌ای است که سیستانی از عوامل مرتجع و سرسپرده بورژوازی سرمی‌آید. سر طبق اطلاعات رسیده از خانه رفقای سازمان همگی این خائنین از مدت‌ها پیش در تشکیلات خلق مسئولیت‌نسنده بودند و اخیراً نیز در اثر اعمال ضد تشکیلاتی بعضاً اخراج شده بودند.

خلق رزمنده بلوچ!  
زحمتکشان سیستانی!

همانگونه که آگاهید سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با سراسر گذاشتن سراسر سراسر سال مبارزه

اولین سالگرد شهادت پیشمرگان فدائی

رفقا احمد محمدی و محمد رضوی گرامی باد



فدائی شبید، رفیق احمد رضوی

سال گذشته ، روز ۲۷ بهمن ماه در یک درگیری نابرابر بین پیشمرگان فدائی با مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، پیشمرگان فدائی ، رفقا احمد محمدی و محمد رضوی شهروانان جان باختند.

ما در اولین سالگرد شهادت رفقا ، به درج گوشه‌هایی از زندگینامه آنها می‌پردازیم و خاطره شوهرند آنان را گرامی می‌داریم .

فدائی شبید ، رفیق احمد محمدی رفیق احمد ، کادر تشکیلاتی کمیته کردستان و فرزند رانین زحمتکشان سال ۱۳۳۶ در شهر سقز دیده به جهان گشود، او در محیط پر درد و رنجی پرورش یافت و از نزدیک در تماس با زندگی سیاسی کارگران و زحمتکشان قرار گرفت و همین امر نیز او را به سمت مسائل سیاسی رهنمون ساخت و عمر آگاهی را در او تقویت نمود .

احمد از سنین کودکی برای نامیدن هزینه خانواده‌اش به کارگری پرداخت . او در جوانی پدر و چندی بعد مادرش را از دست داد . و از این پس با مسئولیتی بیشتر ضمن تحصیل به کارگری ادامه داد .

پس از پایان دوره متوسطه راهی نیروی هوایی شد و در تقابل با قوانین ارتجاعی حاکم بر ارتش، نیروی هوایی را ترک کرد و به فعالیت سیاسی روی آورد .

احمد در آستانه سال ۶۶ به سرپازی رفت و این در حالی بود که شناخت دقیقی از مسائل طبقاتی درون جامعه بدست آورده بود و به محض ورود به جمع سرپازان با تجاربی که از سیستم مداخلتی ارتش داشتند آشنایی پیدا کرد و سرانجام باطنیان توده‌ها با شور و اشتیاقی وافر و انقلابی ، ارتش را رها و به میان امواج خروشان جنبش توده‌ای شتافت و از همان زمان تا لحظه شهادت



فدائی شبید ، رفیق محمد رضوی

رفیق محمد رضوی (کاک وریا) پیشمرگه فدائی، فرزند زحمتکشان کردستان در سال ۱۳۴۸ در روستای "شوقین" از توابع سقز دیده به جهان گشود . او از همان اوان کودکی طعم تلخ محرومیت و رنج و ستم را چشید و بدلیل فقر و تنگدستی نتوانست بیشتر از چهار سال تحصیل بیفزاید و بناچار به کار در روستای زادگاهش پرداخت .

خیزشهای توده‌ای ۵۷ و سرانجام قیام بهمن تا شیرات زیادی سرکاک وریا بر جای گذارد و با وجود اینکه او از سن نسبتاً کمی سرخوردار بود بیماری روی آورد .

پس از قیام بهمن پاکب گانگی و ارتقاء انگیزه‌های انقلابی ، تبلیغ آرمانهای انقلابی در بین دهقانان پرداخت .

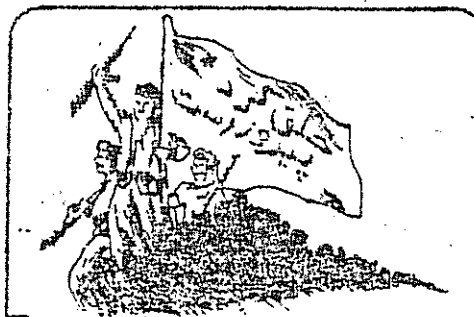
رفیق در سال ۶۰ برای شرکت در جنگ انقلابی تصمیم گرفت مصوف پیشمرگه‌ها را کومندله به پیوسته ، لیکن بدلیل کمبود او را برای ادامه فعالیتها به مسئول رندگی‌اش فرستادند . این بار هم او و یوژا یف خود در فبال جنبش خلق کرد شرکت نمود و با جمع آوری کمکهای توده‌ها

سنگش به فعالیت پرداخت . علاوه بر این او ضمن کار بخشی از دسترنج خود را در پیشمرگان خلق کرد اختصاص میداد .

کاک وریا بر بستر تلاش آگاهانه‌اش با ساخت دقتی از نیروهای انقلابی ، سازمان را برگزید و در سال ۶۲ به مصوف پیشمرگان فدائی پیوست . رفیق بسنداز پایان یک دوره آموزشی وارد مصوف پیشمرگان شد و بعد از شرکت در چندین عملیات نظامی در حالیکه قلب پر خستگی

برای رهایی کارگران و زحمتکشان می‌طیبت و علیه ستم و استثمار سرمایه‌دار در مبارزه‌اش مصمم بود ، در ۲۷ بهمن ماه ۱۳۶۳ طی درگیری دسته‌ای از پیشمرگان فدائی با مزدوران جمهوری اسلامی آماج گلوله مرتجعین قرار گرفت و جان باخت .

خاطره‌اش گرامی باد



فدائی گرامی باد

بنام سبب چهارمین سالروز ۵۵۵

تودکی او با روح و شفت سبزی گشت تا اینکه پس از قیام و در اسفندماه سال ۶۵ در سنکر سازمان به مبارزه برای تحقق دمکراسی و سوسیالیسم پرداخت و در بسیاری از عملیات نظامی سازمان در کردستان شرکت کرد، او برای که برگزیده بود، اعتقاد راسخ داشت و سرانجام در عملیات خنجر آفرین ۲۳ بهمن در نبرد نجات قلعه قلش آماج گلوله های مرتجعین قرار گرفت و در راه رهایی کارگران و زحمتکشان جان باخت.



فدائی شهید، رفیق حر رفایی (جعفر)  
رفیق جعفر در سال ۱۳۴۱ در یک

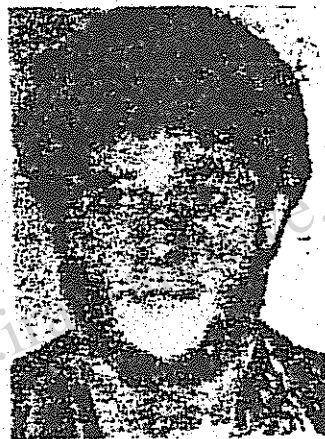
رفیق بهنام، پیشمرگه آگاه فدائی در سال ۱۳۳۷ در شهر بابل در خانواده ای زحمتکش تولد یافت. در جریان اوچکسوری قیام بغالیت انقلابی روی آور. دو در ارتباط با سازمان قرار گرفت.

او یکبار در جریان یورشهای خیابانی مزدوران رژیم دستگیر و پس از مدتی آزاد گشت. در سال ۶۱ رفیق بهنام جهت گذراندن یک دوره آموزشی عازم کردستان گردید تا با ارتقاء تواناییهای خود هر چه کارآمدتر مبارزه انقلابی را پیش برد.

رفیق بهنام در عملیات ۲۳ بهمن شرکت نمود و در حلقه محاصره مزدوران از خود مقاومتی شورا نگیز نشان داد و سرانجام با شلیک آتش مزدوران هدف گلوله قرار گرفت و جان خود را وثیقه رهایی کارگران و زحمتکشان نمود.

خانواده زحمتکش در شهر خلخال متولد شد. در جریان قیام فعالیت انقلابی اش را آغاز کرد. پس از آن در ارتباط با سازمان به فعالیت پرداخت. او در اثر فعالیتهاش چندین بار توسط مزدوران رژیم دستگیر شد. تا اینکه راهی کردستان شد و پس از مدتی در صفوف پیشمرگان فدائی قرار گرفت. این رزمنده یرشور در چندین عملیات پیشمرگان فدائی علیه نیروهای سرکوبگر شرکت نمود و از حقوق زحمتکشان به دفاع برخاست. سرانجام در عملیات ۲۳ بهمن دلیرانه تا آخرین گلوله جنگید و جان خود را فدای راه رهایی کارگران و زحمتکشان نمود.

یادش گرامی باد.



فدائی شهید، رفیق بهنام نامزاده رضوی



## غنایم بدست آمده

۱۳	جنگ افراد انفرادی
-	انواع نارنجک
۱	بی سیم
۷۵۰	انواع فشنگ
-	خسب
۱	جنگ افزار سنگین و نیمه سنگین
۲ و *	گلوله اسلحه سنگین و نیمه سنگین
-	بیوسنی تریب خوردگان

\* هفت صدوق بشک کالبر ۵۵

آمار این جدول عمدتاً از اخبار رادیوهای حزب دمکرات و کومله برگرفته شده است.

## تلفات دشمن

۳۹	کشته و زخمی
۷	اسرای دشمن
۱۱	خودرو منهدم یا مصادره شده
-	سلاحهای منهدم شده
-	بیمات منهدم شده

جدول یک ماهه  
عملیات پیشمرگان  
خلخال کورد

۲۷ دی تا ۲۷ بهمن

## عملیات پیشمرگه

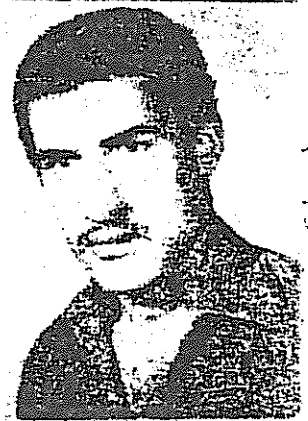
۳	کمین و کنترل جاده
-	مین گذاری
۱۵	مخابنه در برابر یورش رژیم
۱۰	حمله بمباران رژیم در شهرها
-	سلاح پایگاه
-	مصادره و انهدام تاسیسات
۱۲	حمله به پایگاهها
۲۶	جمع

۱۲	شهدای پیشمرگه
۶	شهدای اهالی بی دفاع

سهرگه و نویی برونده و هی شور نشگیرانده ی گدالی کورد

**بمناسبت چهارمین سالروز شهادت  
شهیدای عملیات ۲۳ بهمن ۶۱**

وبالاخره به صفوف پیشمرگان فدائوسی پیوست، او در جریان عملیات ۲۳ بهمن در حالیکه قهرمانانه می جنگید، بسا قلبی آکنده از کینه نسبت به سرمایه داران و حاکمان مرتجع، قهرمانانه جان خود را فدا کرد.  
یادش گرامی باد.



فدائی شهید، رفیق اسعد بزدانی

پیشمرگه فدائی، رفیق اسعد فرزند زحمتکشان کردستان، در سال ۱۳۳۹ در روستای "ترخان آباد" در بخش منطقه سروان تولد یافت. در جریان قیام بهمن ۵۷ و سرنگونی رژیم شاه شرکت کرد و پس از آن در ارتباط با سازمان به فعالیت انقلابی روی آورد.  
در سال ۶۱ به پیشمرگان فدائوسی پیوست و در شامگاه ۲۳ بهمن در حالیکه آخرین گلوله‌هایش را به قلب مزدوران رژیم نمانه میرفت در صحنه خونین عملیات در میان رگبار گلوله، با عنقی به کارگران و زحمتکشان قهرمانان به جان باخت!  
یادش گرامی باد.



فدائی شهید، رفیق ابراهیم کردی

رفیق ابراهیم پیشمرگه زحمتکش فدائی در سال ۱۳۳۶ در یک خانواده زحمتکش روستائی در منطقه "داشکستان" تولد یافت.  
او از کودکی برای گذران زندگی مجبور به کارگری شد و در جریان یورشها رژیم بعد از قیام به همکاری بسا سازمانهای انقلابی در صفوف پیشمرگان

پرداخت. بعد از سال ۶۰ یکبار بسدت ۱۱ ماه دستگیر و بزندان افتاد.  
ابراهیم پس از آزادی راهی کردستان شد تا در صفوف پیشمرگان فدائوسی علیه مزدوران رژیم سرمایه داری بجنگد. رفیق ابراهیم در طی عملیات ۲۳ بهمن در حالیکه آتش کینه اش را نسبت بسه مزدوران از لوله سلاحش بروی آنها می گشود با گلوله مزدوران در خون خود غلطید و جان باخت.  
یادش گرامی باد.



فدائی شهید، رفیق حسن محمدپور

رفیق حسن در سال ۱۳۴۵ در شهر سنقر دیده به جهان گشود. ستم و استثمار سرمایه داری او را به خیل مبارزان راه خلق کشانید. رفیق حسن رزمنده ای پرشور و خستگی ناپذیر بود. بنا بر ملاحظاتی که رفیق حسن در جریان فعالیتهای انقلابی کسب نموده بود، تاسط معاونت فرماندهی دسته‌های عملیاتی پیشمرگان فدائی و عضویت در شورای نظامی ارتقا یافت.  
حسن تا بآخر برای تحقق آرمان کارگران و زحمتکشان جنگید و در آخرین نبرد شجاعانه اش در ۲۳ بهمن ۶۱ شجاعست و فداکاری کم نظیری را به نمایش گذارد و در حالیکه قلبش برای آینده پیروزمند ستمدیدگان می طپید در خون سرخش غرق شده گشت و قهرمانانه جان باخت!  
یادش گرامی باد.



فدائی شهید، رفیق فریدون بانهای

رفیق فریدون در سال ۱۳۴۴ در یک خانواده زحمتکش در شیر سنقر متولد شد. در جنبش بوده ای سال ۵۶، ۵۷ شرکت کرد و بعد از قیام در ارتباط با سازمان قرار گرفت.

رفیق فریدون در آغاز سوجوانی بسه صفوف پیشمرگان پیوست و تا لحظه شهادت با عشق نسبت به کارگران و زحمتکشان یک لحظه در حقانیت خط و مشی سازمان تردید بخود راه نداد و جان خود را نسیدای راه رهایی کارگران و زحمتکشان نسود!  
یادش گرامی باد.



رفیق مراد سرراشی (حدر)

رفیق مراد سرراشی پیشمرگه کتانی فدائی، در سال ۱۳۳۸ در "تحت سبطام" ایلام تولد یافت. او بعد از پایان تحصیلات متوسطه اش به کار معلمی پرداخت و در جریان قیام ۵۷ فعالانه شرکت جست. بعد از قیام حیدر در ارتباط با سازمان قرار گرفت و بالاخره با عزمی راسخ در راه دفاع از آرمان کارگران و زحمتکشان سلاح پیشمرگه را بر دوش گرفت.  
او رفیقی متین، بیکیسر و دارای قابلیت‌های انقلابی شایان توجی پی بسود حیدر پس از مدت‌ها مبارزه خستگی ناپذیر سرانجام در راه تحقق آرمان سازمانش در عملیات ۲۳ بهمن جان خود را فدا نمود.  
یادش گرامی باد.



فدائی شهید، رفیق اسماعیل بررکر

رفیق اسماعیل فرزند زحمتکشان کردستان در روستای "تروجا" از توابع سوکان دیده به جهان گشود و دوران در صحنه ۲۷

بمناسبت

چهارمین سالروز شهادت شهدای عملیات ۳ بهمن ۶۱

روز ۲۳ بهمن ماه سال ۱۳۶۱، دستهای از پیشمرگان فدائی، تحت فرماندهی فدائی خلق، رفیق مسعود رحمتی، در محور سقز-بوکان، با شرکت در عملیاتی که بمناسبت گرامی داشت دوازدهمین سالروز تولد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و پنجمین سالروز قیام شکوهمند بهمن انجام گرفت، حماسه‌های خونین آفریدند.

در این عملیات متهورانه که ساعتها بطول انجامید، درحالیکه پیشمرگان فدائی با استقرار بر روی جاده اصلی سقز-بوکان و کنترل تردد ماشینها، مزدوران سرکوبگر را در کمین خود انداخته بودند، با آتش پر خروش مسلسل‌های خود بسیاری از مزدوران را شهلاکت رسانیدند. چند تن را اسیر و مقداری سلاح و مهمات و چند خودروی مزدوران را به غنیمت گرفتند.

پیشمرگان دلیر فدائی، روز ۲۳ بهمن در تیان آتش انفجار و رگبار در حالی که در روی انبوه نیروهای سرکوبگر شلیک میکردند و استوار در سنگرهای خود جان میباختند که تشکلات شاخه کردستان توسط عنصر سرسپرده خائنی بنام مهدی سابع تحت رسوخ گزایشات منحط لیبیرالیتی قرار گرفته بود.

طرد و انزوای این گزایش تنها بسا پافشاری بر سنتهای کمونیستی و اصول و پرنسیپهای انقلابی سازمان ممکن گردید رفغایی که با شوری زایدالوصف و اعتفادی عمیق به آرمان طبقه کارگر و توده‌های فتنه‌یافته در عملیات ۲۳ بهمن شرکت کردند در مبارزه درونی علیه گرایش لیبرالی در دوره سالترین مدافعین خط و مئی انقلابی با زبان بودند تا اینکه سرانجام نیز با خون سرخ خود مهر بطلان را بر گرایش لیبرالی مجاهدزده حاکم سر شاخه کوبیدند.

در این عملیات افتخار آفرین رفقا علی نوذری، حسن محمدپور، مراد میرزائی فریدون با نه‌ای، بهنام قاسم‌زاده رضوی اسماعیل بزرگر، محمود امین زاده، اسعد یزدانی، ابراهیم کردی، رح رفغایی و فرمانده آگاه و روزمنده رفیق مسعود

رحمتی در راه تحقق دمکراسی و سوسیالیسم جان خود را فدا کردند. ما چهارمین سالروز به خون طیب شدن این رفقا را گرامی میداریم و پیمان میبندیم تا تحقق آرمان والای کارگران و زحمتکشان و نیل به سوسیالیسم و کمونیم از پای ننشینیم و به راه سرخ رفقایمان وفادار بمانیم.



فدایی خلق مسعود رحمتی

فدائی شهید، مسعود رحمتی پیشمرگه آگاه فدائی، فرمانده شده مسعود رحمتی، عضو سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و عضو کمیته کردستان در مهر ماه سال ۱۳۳۲ در روستای "یورقل" از توابع شیر سقز دیده به جهان گشود. رفیق مسعود در صفوف پوزنل انقلابی ارتش علیه دستکاه دولتی شاه خائس مبارزه نمود و بعد از پیروزی قیام در جریان یورشهای جمهوری اسلامی به کردستان بدفاع از حقوق خفقان‌گردد برخاست و در سنگر پیشمرگان فدائی علیه نیروهای سرکوبگر به مبارزه بود. تداوم بخشید.

رفیق مسعود با نایستگی و کارایی‌های نظامی‌اش تا سطح یک فرمانده لایق ارتقاء یافت. خصوصیات کمونیستی، قاطعیت و بیگیری و جرات رفیق مسعود چه قبل و چه بعد از نهادن زبانزد هر زمانش بود، سرانجام در روز ۲۳ بهمن در حالی که رفیق مسعود فرماندهی پیشمرگان فدائی را بر



فدائی شهید، رفیق علی نوذری

پیشمرگه فدائی، رفیق علی نوذری در سال ۱۳۴۱ در شیر سقز دیده به جهان گشود. او با قیام بهمن ۵۶ جنبش توده‌ای پیوست و بیژدی در صفوف پیشمرگان خلق کرد قرار گرفت. روحیه انقلابی و پرشور رفیق علی او را از تحرک بالایی برخوردار ساخته بود.

او پیشمرگه‌ای جسور و کارآمد بود از همین رو با ارتقاء آگاهی و کاروانسهای نظامی‌اش تا سطح فرماندهی نظامی، عضویت در شورای نظامی و کاندیداتوری عضویت در سازمان ارتقاء یافت. در روز ۲۳ بهمن ماه ۶۱ رفیق علی در کنار دیگر همزمانش بعد از شهلاکت رساندن تعدادی از مزدوران قلی سب سرخ آماج گلوله‌های ارتجاع قرار گرفت و قربانان جان باخت. یادش گرامی باد.



پیشمرگه فدائی، رفیق محمود امین پور

رفیق محمود - پیشمرگه فدائی - فرزند زحمتکشان کردستان در سال ۱۳۴۵ در روستای "جنوب" از توابع سقز تولد یافت.

سالهای کودکی محمود بارنج و مشقت سیری گشت. در قیام بهمن ویس از آن محمود با جنبش توده‌ای همراهمی نمود در صفحه ۲۸

# بایادلنین

اول بهمن ماه مصادف است با شصت و دومین سالگرد مرگ لنین، رهبر داهی و آموزگار کبیر پرولتاریای جهان. ولادیمیر ایلیچ در سال ۱۸۷۰ متولد شد. از همان دوره نوجوانی به فعالیتی انقلابی روی آورد. با مطالعه عمیق مارکسیسم و تسلط کامل بر آن و ابراز نایستگی در امر سازماندهی، بزودی به عنوان رهبر مارکسیستهای روسیه شناخته شد. لنین در اولین گامهای فعالیت انقلابی، به افشاء نظریات ناردنیکها پرداخت و با انتشار کتاب "دوستان بردهم کیانند و با سوسیال دمکراتها چه



میکند، چنانند از آینده مبارزاتی طبقه کارگر وراء پیروزی آنهاشان داد. در اثر فعالیتهای مستمر انقلابی خود، ابتدا به زندان افتاد و سپس تبعید شد. در تبعید بود که طرح اولیه تأسیس یک حزب واحد مارکسیستی را تدوین نمود و پس از پایان این دوره، انتشار یک نشریه سراسری (ایسکرا) را سازمان داد. و بطور خستگی ناپذیری در جهت بخشش و توزیع مخفیانه آن تلاش ورزید. لنین با درک اهمیت تشکیلات کمونیستی برای رهبری مبارزه طبقه کارگر، کتاب "جداییدکرد" را تدوین نمود و طی آن ضمن افشاء بیرحمانه نظرات انحرافی اکرنومیتهای روسی، به تشریح نقشه بنیانگذاری یک تشکیلات مبارز و سراسری پرداخت. ایده های درختان لنین در مورد ساختمان حزب انضباط درونی آن و برخورد مشخص و دیالکتیکی او با درمنحه ۲۱

## گرامی بادیادررقای فدائی کاوه، اسکندر، حسن که در دفاع از مرکز فرستنده صدای فدائی قهرمانانه جان باختند



کاوه

گرامی بادیادررقا



اسکندر



حسن

بمناسبت

چهارمین سالروز شهادت شهدای

عملیات ۲۳ بهمن ۶۱

★ احمد محمدی

و

★ محمد رضوی

درمنحه ۲۶

نخستین گروه پیروز است

جدول یک ماهه  
عملیات پیشمرگان  
خلق کرد

۲۷ دی تا ۲۷ بهمن

درمنحه ۲۷